

بسم الله الرحمن الرحيم

هزینه استفاده از این جزوه، برای دانش آموزان، دبیران و دیگر علاقه‌مندان به ادبیات شیرین فارسی، قرائت یک فاتحه به نیت پدر و مادر مرحوم است.

همه می‌دانیم امکانات آموزشی در همه جای کشور یکسان نیست. می‌دانیم در شهرهای کوچک و مناطق محروم امکانات آموزشی ضعیف است. در فضای مجازی پیام‌هایی از دانش‌آموزان روستایی دریافت کرده‌ام که از ناتوانی مالی برای خرید کتاب و جزوه و ... حکایت می‌کرد. تعارف که نداریم؛ خوب می‌دانیم این اوضاع اقتصادی حال شهرهای را هم خراب کرده است. از نابرابری‌ها و بالاخص نابرابری‌های آموزشی هر چه بگویم کم گفته‌ام. با این حال من یک دبیرم و آنچه از دست من برمی‌آید جزوات بنده است که به طور رایگان در اختیاران قرار می‌گیرد.

۱ - در این جزوه مطالب مربوط به دو مبحث عروض و قافیه و آرایه‌های ادبی کتاب علوم و فنون سال‌های دهم آمده است. ۲ - با مطالعه بخش بخش و جزء جزء این جزوات خواهید فهمید که این جزوات کامل‌ترین درس‌نامه‌ها را دارند. برای بنده خیلی راحت و اقتصادی‌تر بود که این جزوات را در اختیار موسسه و انتشاراتی قرار دهم و از مزایای مادی و معنوی آن برخوردار شوم. ولی در این صورت اجازه نداشتم که این جزوات را در کانال قرار دهم تا همه افراد به صورت رایگان از پی‌دی‌اف آن استفاده کنند.

۳ - قطعاً برای تالیف هر جزوه و کتابی، زحمات بسیاری کشیده می‌شود. با نگاهی سطحی بر این جزوه و دیگر جزوات بنده خواهید دید که برای تالیف آن زحمت بسیاری کشیده شده است. اینجانب علاوه بر ساعت‌ها تمرکز و نوشتن، برای تایپ و صفحه‌آرایی این جزوه و جزوات دیگر، مبلغ قابل توجهی هزینه کرده‌ام.

۴ - دو سال پیش دبیری پیام داد و گفت: «با اجازه شما این جزوات را داده‌ام تایپ کرده‌اند و در انتهای جزوه از شما یاد خواهم کرد!!!» به چند دلیل این کار دور از انصاف و نادرست بوده‌است؛ اول اینکه بنده اصلاً چنین اجازه‌ای به هیچ دبیری نداده‌ام. دوم اینکه با این تایپ و صفحه‌بندی زیبا چه لزومی داشت مجدد تایپ شود جز اینکه قضیه‌ای در کار بوده باشد؟ سوم اینکه بسیاری افراد به اعتبار علمی یک مؤلف، آن اثر را می‌خوانند و با حذف نام بنده از هر صفحه و انتقال آن به آخر جزوه، عملاً با یک غلط‌گیر - توسط هر فردی - این اثر بی‌شناسنامه خواهد شد. چهارمین دلیل که از دلایل دیگر بسیار مهم‌تر است این است که صادقانه و حقیقتاً خدمتتان عرض می‌کنم که پس از تایپ این جزوات توسط تایپست‌های گران‌قیمت موسسات مطرح، برای ویرایش و صفحه‌بندی هر کدام، حداقل بیش از ۳ ماه وقت گذاشته‌ام (اگر ملاحظه کنید می‌بینید در تمام این جزوه حتی «تشدید» و «نیم‌فاصله» و دیگر موارد نگارشی و علائم ویرایشی رعایت شده است تا زیبایی جزوه، مطالعه را برای دانش‌آموز دلنشین‌تر کند). تالیف این جزوات، اینطور نبوده که پس از تایپ با یک ویرایش خدمتتان ارائه شده باشد. اگر آن دبیر محترم، نهایت انصاف را به خرج دهد و نام بنده را هم در هر صفحه جزوه بیاورد، باز هم در حق من جفا کرده است، چرا که قطعاً قطعاً جزوه‌ای خواهد بود با هزار غلط تایپی و ...

با توجه به ۳ مورد فوق، از دبیران ارجمند، صمیمانه خواهشمندم، برای ارج نهادن به تالیف و کار بنده، از کپی کردن جزوات اینجانب، بدون نام بنده خودداری کنند و از همین پی‌دی‌اف استفاده کنند. بنده برای راحتی کار دبیران نام خود را از وسط صفحه (واترمارک) حذف کردم تا برای تدریس دیگران راحت‌تر باشد. پس لطفاً شما نیز جانب انصاف را رعایت کرده و از هر گونه کپی‌برداری بپرهیزید.

***توجه:** این جزوات برای پاسخ‌گویی به سوالات سخت کنکوری تألیف شده‌اند اما دانش‌آموزان غیر کنکوری و علاقه‌مندان به ادبیات فارسی نیز می‌توانند از آن بهره ببرند.

توجه: کل این جزوه به صورت ویدئویی در پکیج VIP بنده تدریس شده است و تمام تست‌های آن، یعنی تمام سوالات کنکورهای نظام جدید و تمام سوالات تالیفی به صورت کاملاً تشریحی در پکیج ویدئویی بنده تحلیل و بررسی شده‌اند.

همچنین پکیج‌های مبحثی VIP آرایه‌های ادبی، قرابت معنایی، دستور زبان فارسی و املا و لغت نیز به صورت ویدئویی قابل تهیه می‌باشد.

این پکیج‌ها از نظر قیمت و هزینه نسبت به سایر پکیج‌های موجود، هم بسیار کامل‌تر و کاربردی‌تر می‌باشند و هم بسیار ارزان‌تر.

دبیران و دانش‌آموزان عزیز می‌توانند این جزوات را با کمترین قیمت (سیاه سفید صفحه ۶۰۰ و رنگی صفحه‌ای ۱۰۰۰ تومان) به صورت چاپ‌شده از بنده دریافت کنند.

برای اطلاع از آخرین قیمت و تخفیف پکیج‌ها به کانال (@adabiyat_ahmadi) یا آیدی بنده (@aboozar_ahmadi63) در تلگرام مراجعه کنید.

دانش آموزان عزیز سلام

جزوه پیش روی شما بدون شک کامل ترین، زیباترین و کارآمدترین جزوه‌ای است که برای دو مبحث عروض و قافیه و آرایه‌های ادبی تالیف شده است. با مطالعه جزوه درمی یابید برای تالیف آن زحمت بسیاری کشیده شده است. حساسیت بنده در زیبایی منابع درسی دانش آموزان، باعث شد کلمه به کلمه جزوه را به طور مجزا رنگ‌بندی کنم. در تمام صفحات جزوه حرکت‌گذاری اصطلاحات عروضی همچون «فَاعِلَاتُنْ، مُسْتَفْعِلُنْ و ...» رعایت شده است تا این اصطلاحات را به طور دقیق و درست و راحت یاد بگیرید. در تمام مثال‌هایی که تقطیع شده‌اند، ما بین حروف کلمات، خط کشیده آمده است تا کلمات و حروف از همدیگر تفکیک شوند. مشخص است که این کار بسیار زمان‌بر فقط برای این منظور انجام شد که شما با جزوه‌ای زیبا، مطالب را بهتر یاد بگیرید. این جزوه - و دیگر جزوات بنده - حاصل چندین سال تحصیل بنده در مقاطع عالی دانشگاهی و همچنین ۱۷ سال تدریس بنده در کلاس‌های کنکور است. لذا این اطمینان را به شما می‌دهم، در صورت مطالعه جزوه و مشاهده فیلم‌های آموزشی، قطعا و حتما عروض و قافیه را یاد خواهید گرفت. نکته دیگر اینکه هم در جزوه و هم در درس‌نامه ویدیویی، تدریس به صورتی بوده است که عروض سماعی را نیز یاد بگیرید و اِنْ شَاءَ اللّٰه و به امید خدا یاد خواهید گرفت. بدون شک عروض و قافیه مهمترین و ضروری‌ترین مبحث ادبیات اختصاصی است و برای آموختن آن باید تلاشی درخور داشته باشید. توصیه می‌شود حتما تمرین‌های جزوه را انجام دهید و سپس جواب آن را در جزوه ببینید. از عروض سماعی غافل نشوید و با تکرار مطالب آموخته‌های خود را تثبیت کنید.

از ویژگی‌های منحصر به فرد این جزوه ارائه بهترین راهکارهای تستی و آموزش نکات عروض سماعی به جدیدترین و بهترین روش‌هاست. بدون شک با یادگیری و مطالعه جزوه بر هر سوالی در مبحث عروض و قافیه پاسخ خواهید داد.

در بخش دوم جزوه که مربوط به آرایه‌های ادبی است، کامل‌ترین و تکنیکی‌ترین توضیحات مربوط به هر آرایه را مشاهده خواهید کرد. با توجه به اینکه بخش آرایه‌های ادبی از بخش‌های اختلافی میان اساتید است، این مبحث به یکی از سخت‌ترین مباحث ادبیات تبدیل شده است. برای فایق آمدن به این چالش، در هر قسمت نکات تکمیلی بسیاری آورده‌ام تا با یادگیری بیشترین نکات در حل سوالات سخت آرایه‌های ادبی موفق‌تر باشید.

یکی از ویژگی‌های بسیار قابل توجه این جزوه، تالیف سوالات تستی بسیار ارزشمند است. بدون اغراق می‌توانم بگویم گاه برای طراحی یک تست ساعت‌ها وقت گذاشته‌ام و با حساسیت خاصی که در طرح سوالات داشتم، تست‌ها را به صورتی طراحی کرده‌ام که هر گزینه‌ی آن حاوی نکته‌ای مهم و کنکوری باشد. پس از برگزاری کنکور ۱۴۰۱ و با مشاهده سوالات کنکور به صراحت می‌توان بگویم سوالات تالیفی این جزوه بیشترین شباهت را به سوالات کنکور داشته است. و همانطور که در کانال به صورت ویدیویی آورده‌ام، آدرس تک تک سوالات کنکور را در جزوه‌ام داده‌ام.

مجددا اعلام می‌دارم در پکیج‌های VIP تمام این سوالات به صورت ویدیویی و مفصل توضیح داده شده است.

شاد و سلامت باشید

دوستدار شما: دکتر ابوذر احمدی

فهرست مطالب بخش اول: عروض و قافیه

فصل اول: مقدمه	۵
فصل دوم: انواع واج و هجا	۹
فصل سوم: درست خواندن	۲۸
فصل چهارم: درست نوشتن (خط عروضی)	۳۸
فصل پنجم: تقطیع هجایی	۵۰
فصل ششم: قافیه	۶۴

فهرست مطالب بخش دوم: آرایه‌های ادبی

کلیات	۷۵
بدیع لفظی	۷۷
واج آرای و تکرار ۷۷ / سجع ۸۰ / موازنه و ترصیع ۸۲ / جناس و انواع آن و اشتقاق ۸۴	
پاسخنامه عروض و قافیه و آرایه‌های ادبی:	۸۸

توجه: در این جزوه فقط مطالب مربوط به عروض و قافیه و آرایه‌های ادبی کتاب علوم و فنون سال دهم آمده است.



فصل اول: مقدمه

۱	علم شناخت وزن شعر را عروض می‌گویند.
۲	عاطفه، اساسی‌ترین عامل پیدایش شعر است.
۳	شاعر برای انتقال عاطفه از زبان بهره می‌گیرد.
۴	پس از عاطفه، مهم‌ترین و موثرترین عامل «وزن» است.
۵	وزن جزء طبیعی شعر است و جنبه‌ی تزئینی ندارد.
۶	تأثیر وزن بر انتقال پیام یا احساس و عاطفه غیر انکار است.
۷	حتی کتب مقدس نیز از این امتیاز (وزن) بهره برده‌اند.
۸	«وزن» آشکارترین ابزار موسیقی شعر است.
۹	تناسب و هم‌سویی وزن و عاطفه بر قدرت کلام و اثرگذاری آن می‌افزاید. مثلاً: اگر قرار است از مطلبی شاد سخن بگوئیم، بهتر است وزنی تند و ضربی انتخاب کنیم. اگر قرار است اندوهی را بیان کنیم، از وزنی آهسته بهره می‌گیریم.
۱۰	توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود.
۱۱	تشخیص لحن مناسب هر متن، خواندن را دلنشین‌تر و درک محتوا را آسان‌تر می‌کند.
۱۲	وزن، ادراکی است که از احساس یک نظم مشخص حاصل می‌شود. مثل حرکت منظم چرخش لاستیک دوچرخه یا یک آب‌نمای موزیکال و یا حتی پختن نان توسط نانوايان.
۱۳	وسیله ادراک وزن، حواس پنجگانه هستند. در شعر این حس، بر عهده‌ی حس شنوایی است.
۱۴	در واقع وزن یک شعر، تکرار منظم پایه‌های آوایی است که گوش، آن نظم را در می‌یابد و لذت می‌برد.
۱۵	«علم عروض» علم شناخت کمیت و کیفیت این پایه‌های آوایی است. مثلاً بتوانیم تشخیص بدهیم هر مصراع بیت زیر، از چهار بار تکرار پایه آوایی «فَعُولُن» ساخته شده است.

ز بامی که برخاست، مشکل نشیند
فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن

مرنجان دلم را که این مرغ وحشی
فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن فَعُولُن

یا تشخیص بدهیم ابیات زیر از کدام پایه‌های آوایی ساخته شده‌اند.

خواب بودی که لبت بوسیدم فَاعِلَاتُن فَعَلَاتُن فَعُولُن	قند دزدی چه قُر شیرین است! فَاعِلَاتُن فَعَلَاتُن فَعُولُن
آب طلب‌نکرده همیشه مراد نیست مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِيلُ فَاعِلُن	گاهی بهانه‌ای است که قربانیات کنند مَفْعُولُ فَاعِلَاتُ مَفَاعِيلُ فَاعِلُن
در کوی تو معروفم و از روی تو محروم مَفْعُولُ مَفَاعِيلُ مَفَاعِيلُ فَعُولُن	گرگ دهن‌آلوده‌ی یوسف ندیده مَفْعُولُ مَفَاعِيلُ مَفَاعِيلُ فَعُولُن

علم عروض به ما یاد می‌دهد که با شنیدن هر بیتی، وزن آن را تشخیص بدهیم.

برای تشخیص وزن یک شعر دو راه وجود دارد:

۱- شنیداری و سماعی

۲- استفاده از تقطیع و ... (علم عروض)

۱- شنیداری و سماعی: حالتی است که با شنیدن شعر، وزن آن را می‌گوئیم.

ما به تو یکباره مقید شدیم مرغ به دام آمد و ماهی به شست
مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ

۲- استفاده از تقطیع و ... (علم عروض): حالتی است که با تقطیع شعر به هجاهای کوچک و دسته‌بندی آن‌ها و انجام چند عمل دیگر، به وزن شعر می‌رسیم. این روش زمان بیشتری نیاز دارد ولی کم‌تر خطاپذیر است.

در روش استفاده از تقطیع، مراحل زیر را به ترتیب انجام می‌دهیم:

۱- درست خواندن شعر: ما به تو یکباره مقید شدیم

۲- نوشتن به خط عروضی: ما بِ تُ یک بارِ مُقَیَّد شدیم

۳- تقطیع هجایی: ما بِ تُ یک با رِ مُ قَی یَدِ شُ دیم

۴- علامت‌گذاری هجایی: — U U — — U U — — U —

۵- تقسیم به پایه‌های آوایی (ارکان عروضی) و نوشتن معادل آن‌ها: مُفْتَعِلُنْ مُفْتَعِلُنْ فاعِلُنْ

۶- اعمال اختیارات شاعری

۷- دسته‌بندی اوزان

۸- نام‌گذاری اوزان

توجه: مورد ۶ گاه زودتر از مورد ۵ اعمال می‌شود.



به نظر شما کدام روش بهتر و مطمئن‌تر است؟ سماعی یا عروضی؟

هر کدام از این روش‌ها حُسن و عیب خاص خود را دارند. مثلاً سماعی، زودتر به وزن می‌رسیم، ولی امکان اشتباه بیشتری وجود دارد و در روش تقطیع هجایی دیرتر به جواب می‌رسیم، ولی جواب دقیق‌تر است.

توجه: برای کنکور ناچارید که از روش سماعی استفاده کنید ولی توصیه می‌شود دانش‌آموز هر دو روش را یاد بگیرد



و از هر دو استفاده کند. به این صورت که با روش سماعی وزن را خیلی سریع تشخیص دهد و سریعاً با روش عروضی،

وزن تشخیص‌داده شده را بررسی کند. بنابر این، هم اوزان را تمرین و تکرار کنید تا در روش سماعی مهارت یابید و هم،

درس‌نامه عروض را خوب بخوانید تا یک روش مطمئن را هم، یاد گرفته باشید.



توجه: اگر تست به صورتی بود که یک بیت آورده بود و از آن چند سوال مطرح کرده بود، سعی کنید از روش

تقطیع استفاده کنید. ولی اگر هر گزینه به بیت وجود داشت قطعاً باید از روش سماعی استفاده کنید.

۱- کدام گزینه درست است؟

- (۱) اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر، وزن و آهنگ است.
- (۲) پس از وزن، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل، عاطفه است.
- (۳) بدون ردیف، کم‌تر می‌توان عواطف را برانگیخت.
- (۴) وزن در شعر، جنبه‌ی تزئینی ندارد؛ بلکه جزء طبیعت شعر است.

۲- کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) بعد از وزن، عاطفه مهم‌ترین عامل و مؤثرترین عنصر در تأثیر موسیقایی شعر است.
- (۲) عاطفه‌ی شاعر، امری حسّی است که ما آن را از احساس نظم در یک شعر درک می‌کنیم.
- (۳) وزن در شعر جنبه‌ی تزئینی دارد و علت محبوبیت شعر، برانگیخته‌شدن عواطف آدمی است.
- (۴) توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود.

۳- با توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، لحن کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

- (۱) بخت جوان دارد آنکه با تو قرین است
 - (۲) درخت غنچه برآورد و بلبلان مستند
 - (۳) شب فراق کس داند که تا سحر چند است
 - (۴) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی
- پیر نگرده که در بهشت برین است
جهان جوان شد و یاران به عیش بنشستند
مگر کسی که به زندان عشق در بند است
غنیمت است در این شب که دوستان بینی

۴- کدام بیت از نظر آهنگ و موسیقی (وزن یا ریتم) با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

- (۱) همه گو باد ببر خرمن عمر
 - (۲) یار با ما بی‌وفایی می‌کند
 - (۳) یا رب آن روی است یا برگ سمن
 - (۴) یار زیبا گر بریزد خون یار
- دو جهان بی تو نیرزد دو جوّم
بی گناه از من جدایی می‌کند
یا رب آن قد است یا سرو چمن
زشت نتوان گفت زیبا می‌کند

۵- وزن کدام بیت نادرست است؟

- (۱) مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست
 - (۲) چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم
 - (۳) گرم تو در نگشایی کجا توانم رفت
 - (۴) به لطف اگر بخوری خون من رواست
- هزار جان عزیزت فدای جان ای دوست
که یاد می‌نکند عهد آشیان ای دوست
به راستان که بمیرم بر آستان ای دوست
به قهرم از نظر خویشتن مران ای دوست

۶- کدام بیت حال و هوای متفاوتی دارد؟

- (۱) چه حاجت که نه کرسی آسمان
 - (۲) مجلس و پیشگاه از طلعت او فرد مباد
 - (۳) ای وای سپاهی که به جنگ ملک آید
 - (۴) گهی به تیغ ستاننده فراج جهان
- نهی زیر پای قزلارسلان
که از او پیشگاه و مجلس با فرّ و بهاست
ای وای درختی که به زیر تبر آید
گهی به تیر گشاینده بلند حصار

۷- محتوای کدام بیت با وزن آن هماهنگی ندارد؟

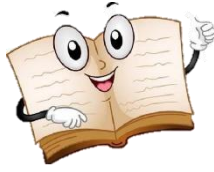
یکی مرد جنگی و گرز گران
درد فراقش نشود هیچ کم
مگر کسی که دل از سنگ سخت‌تر دارد
باز به گردون رسید ناله هر مرغ زار

- ۱) نبینی تو زین لشکر بی‌کران
- ۲) من همه شب در تبم و رنج و غم
- ۳) کس این کند که دل از یار خویش بردارد؟
- ۴) باد بهاری وزید از طرف مرغزار

۸- وزن کدام بیت نادرست است؟

طعم دهان تو از شکر ناب خوشتر است
کز خنده‌ی شکوفه سیراب خوشتر است
حاجت به شمع نیست که مهتاب خوشتر است
امشب نظر به روی تو از خواب خوشتر است

- ۱) چشمت خوش است و بر اثر خواب خوشتر است
- ۲) زنده‌ار از آن تبسم شیرین که می‌کنی
- ۳) شمع به پیش روی تو گفتم که بر کنم
- ۴) دوش ارزوی خواب خوشم بود یک زمان



فصل دوم: انواع واج و هجا

به تجزیه‌ی هجایی واژه‌ی «سعادت‌مند» توجه کنید.

الگوی هجایی	سَ	عَا	دَت	مَند
الگوی واجی	س -	ع ا	د - ت	م - ن د

واژه‌ی «سعادت‌مند» از ۴ هجا تشکیل شده است و هر هجا نیز به ترتیب از ۲، ۲، ۳ و ۴ واج ساخته شده‌اند.

واج: کوچک‌ترین واحد آوایی زبان است. و به دو نوع **صامت** و **مصوت** تقسیم می‌شود.

صامت: واج‌های بی‌صدا هستند که در زبان فارسی ۲۳ مورد می‌باشند. (ء - ع)، ب، پ، (ت - ط)، (س - ث - ص)، ج، چ، (ح - ه)، خ، د، (ذ - ز - ض - ظ)، ر، ژ، ش، (غ - ق)، ف، ک، گ، ل، م، ن، و، ی.

مصوت: واج‌های صدادار هستند که در زبان فارسی ۶ مورد می‌باشند و در ۲ دسته جای می‌گیرند.

مصوت کوتاه: اَ، اِ، اُ (سَر - دِل - گُل)

مصوت بلند: آ، و، ی (با - بو - بی)



نکته مهم: «ا، و، ی» هم می‌توانند صامت باشند و هم مصوت بلند. زمانی **مصوت بلند** محسوب می‌شوند که:

اولاً؛ **واج دوم هجا باشند** (مصوت نمی‌تواند اولین واج هجا باشد).

ثانیاً؛ **صدایی کشیده داشته باشند**. مثلاً حروف مشخص‌شده در کلمات زیر، مصوت بلند نیستند و صامت می‌باشند.

آسب (ا) میل (ی) وقت (و)

نکته بسیار مهم :

- ۱ - حرف، نمود نوشتاری زبان و واج، نمود آوایی زبان است. مثلاً «دِرَخت» ۴ حرف و ۶ واج است.
- ۲ - « ی ، ی » هم می تواند صامت باشد (صید) و هم مصوّت بلند (سیب)
- ۳ - « و » چندین حالت دارد.
مصوّت کوتاه است. تو ← تْ
مصوّت بلند است. سود ← سود
صامت است: وقت ← وَقت
هم مصوّت کوتاه است و هم صامت: نو ← نْ و
نه صامت است و نه مصوّت (واج نیست و خوانده نمی شود): خواهر ← خاْهر
- ۴ - « ا » هم می تواند صامت همزه « ء » باشد (آبر) و هم مصوّت بلند (یار)

انواع هجا

الگوی هجایی زبان فارسی ۶ نوع است که در ۳ دسته کوتاه، بلند، کشیده جای می گیرند:

صامت + مصوَّت کوتاه: تو (تُ)، به (بِ)، نَب، دو= دُ (عدد ۲)	۱	کوتاه (U)	انواع هجا
صامت+ مصوَّت بلند: ما، بو، سی	۲	بلند (—)	
صامت + مصوَّت کوتاه + صامت: سَر، دِل، گُل	۳		
صامت+ مصوَّت بلند + صامت: کار، بود، سیب	۴	کشیده (U —)	
صامت + مصوَّت بلند + صامت + صامت: کاشت، دوست، بیست	۵		
صامت + مصوَّت کوتاه + صامت + صامت: رَفَت، گُفت، زِشت	۶		

چند نکته مهم در مورد الگوهای هجایی

- ۱ - اولین واج هر هجا حتماً صامت است. (هیچ هجایی با مصوّت شروع نمی شود، چه مصوّت کوتاه، چه مصوّت بلند)
- ۲ - دومین واج هر هجا حتماً مصوّت است.
- ۳ - در هیچ هجایی بیش از یک مصوّت وجود ندارد.
- ۴ - هیچ گاه ۲ مصوّت در کنار هم قرار نمی گیرند.
- ۵ - مصوّت های بلند از نظر آوایی ۲ برابر صامت ها یا مصوّت های کوتاه، امتداد دارند.
- ۶ - هجای کوتاه و بلند را با مصوّت کوتاه و بلند اشتباه نگیرید.



به الگوی هجایی و واجی واژگان زیر توجه کنید:

نجات	الگوی هجایی	ن	جا	بَ ت
	الگوی واجی	ن	ج	ب
	نوع واجها	صامت	صامت	صامت
	نوع هجا	صامت	بلند	بلند
		U	—	—

توجه: مثال فوق نکته‌ی خاصی نداشت و بر مبنای الگوهای هجایی، هجابندی شد. اکثر مواقع همینطور است و نکته خاصی وجود ندارد. ولی گاه باید به نکاتی دقت کرد.



نکات بسیار مهم: در هر یک از تقطیع‌های هجایی زیر یک نکته‌ی مهم وجود دارد.

معلم	الگوی هجایی	م	ع	ل
	الگوی واجی	م	ع	ل
	نوع واجها	صامت	صامت	صامت
	نوع هجا	صامت	بلند	بلند
		U	—	—

نکته مثال فوق: واجی که تشدید داشته باشد، ۲ بار نوشته می‌شود. چون ۲ بار تلفظ می‌شود.

خواهر	الگوی هجایی	خا	هَر
	الگوی واجی	خ	ه
	نوع واجها	صامت	صامت
	نوع هجا	بلند	بلند
		—	—

نکته مثال فوق: حرفی که تلفظ نشود، نوشته نمی‌شود.

خانه	الگوی هجایی	خا	ن
	الگوی واجی	خ	ن
	نوع واجها	صامت	صامت
	نوع هجا	بلند	بلند
		—	U

نکته مثال فوق: «ه» غیر ملفوظ (ناخوانا) به صورت مصوّت کوتاه «هـ» نوشته می‌شود. «ه» ملفوظ را می‌توانیم با

افزودن «ی» به آخر کلمه تشخیص بدهیم. ده ← دهی (ملفوظ)، میوه ← میوه‌ای (غیر ملفوظ)

توجه: «ه» در کلماتی مانند: رَه، چَه، شَه، مَه، گَه و ... که مخفّف راه، چاه، شاه، ماه، گاه و ... می‌باشند، ملفوظ است. «ه» در بن مضارع یا افعال امری همچون: بده، بجه، بنه و ... ملفوظ است.



چند نمونه «ه» غیر ملفوظ: ستاره، ترانه، لانه، خانه، طاقه، رابطه، زاغه، دستگیره، هنرکده، تابه، به، که، چه و

آرش	الگوی هجایی	آ	رَش
	الگوی واجی	ء ا	ـ ش
	نوع واجها	صامت مصوّت بلند	صامت مصوّت کوتاه
	نوع هجا	بلند —	بلند —

نکته مثال فوق: «آ» از دو واج تشکیل شده است. همزه «ء» و مصوّت بلند «ا».

احمد	الگوی هجایی	أَح	مَد
	الگوی واجی	ء ـ ح	م ـ د
	نوع واجها	صامت مصوّت کوتاه	صامت مصوّت کوتاه
	نوع هجا	بلند —	بلند —

نکته مثال فوق: «أ، ا، آ» در ابتدای خود یک همزه دارند و «ا» برای زیبایی آمده است. واج آن‌ها به ترتیب «أ:ء، ـ»، «ا:ء، ـ» و «آ:ء، ـ» می‌باشد.

ایجاز	الگوی هجایی	ای	جاز
	الگوی واجی	ء ی	ج ا ز
	نوع واجها	صامت مصوّت بلند	صامت مصوّت بلند
	نوع هجا	بلند —	کشیده — U

نکته مثال فوق: در کلماتی مانند «ایجاز، ایران، ایمان، ایراد و...» هجای اول به صورت «ای:ء، ی» می‌باشد.

اوستا	الگوی هجایی	اوس	تا
	الگوی واجی	ء و س	ت ا
	نوع واجها	صامت مصوّت بلند	صامت مصوّت بلند
	نوع هجا	کشیده — U	بلند —

نکته مثال فوق: در کلماتی مانند «او، اوستا، اوره و...» هجای اول به صورت «او:ء، و» می‌باشد.

نوش‌آباد	الگوی هجایی	نو	شا	باد
	الگوی واجی	ن و	ش ا	ب ا د
	نوع واجها	صامت مصوّت بلند	صامت مصوّت بلند	صامت مصوّت بلند
	نوع هجا	بلند —	بلند —	کشیده — U

نکته مثال فوق: همان‌طور که می‌بینید «ء» از «آ» حذف شده است. هرگاه پیش از همزه، صامت باشد، معمولاً همزه حذف می‌شود و صامت قبل آن به مصوّت بعد آن می‌چسبد.

کل واجها	ن و ش	ا ء	ب ا د
بدون حذف همزه	نوش	آ	باد
	U —	—	U —
با حذف همزه	نو	شا	باد
	—	—	U —

نکته مثال فوق: حذف همزه، نوع هجای قبل خود را تغییر می دهد.

مسائل	الگوی هجایی	مَ	سا	ئِل
	الگوی واجی	مَ —	س ا	— ل
	نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه
	نوع هجا	کوتاه U	بلند —	بلند —

نکته مثال فوق: همزه یک واج صامت است و واجهای آن به صورت فوق مشخص می شود.

از حالت های مختلف همزه نباید ترسید.

هیئت		مسأله			مؤمن	
هی	ت	مَس	ء	ل	مُؤ	مِن
ه — ی	ء — ت	م — س	ء —	ل —	م — ء	م — ن

پیمان	الگوی هجایی	پی	مان
	الگوی واجی	پ — ی	م ا ن
	نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
	نوع هجا	بلند —	بلند —

نکته مثال فوق: «ن» (نون ساکن) بعد از مصوت های بلند «ا، و، ی» در وزن حذف می شود و خوانده نمی شود، لذا هجاهای

«بان، بون، بین» معادل هجاهای «با، بو، بی» به حساب می آیند. در واقع «ن» حذف نمی شود بلکه مصوت بلند کمی کوتاه تر از همیشه تلفظ می شود. یعنی «بان، بون، بین» چیزی شبیه «بَن، بُن، بِن» تلفظ می شوند. (در این جزوه «ن»

را هم به صورت حذف شده و هم به صورت حذف نشده در نظر گرفتیم)

بیابان	الگوی هجایی	بِ	یا	بان
	الگوی واجی	ب —	ی ا	ب ا ن
	نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
	نوع هجا	کوتاه U	بلند —	بلند —

نکته مثال فوق: در واژه های «بیابان، سیاست، بیا، میان و...»، «ی» ۲ بار تلفظ می شود، در حالی که تشدید ندارد. در

این گونه واژه ها، تلفظ را به صورت «بیابان، سیاست، بیا، میان و...» در نظر می گیریم. (در علم زبان شناسی این فرآیند را

«فرایند واجی افزایش» می گویند.)

الگوی هجایی	بِن	تُل	جِی	دَر
الگوی واجی	ب - ن	ت - ل	ح - ی	د - ر
نوع واجها	صامت م کوتاه صامت	صامت م کوتاه صامت	صامت م کوتاه صامت	صامت م کوتاه صامت
نوع هجا	بلند -	بلند -	بلند -	بلند -

نکته مثال فوق: همان طور که گفتیم هجا مربوط به آن چیزی است که خوانده می شود، لذا در واژه ها و ترکیبات عربی (حتی فارسی) به این نکته باید توجه داشته باشید که هجاهایی را که **می خوانیم**، باید بنویسیم. نه آن چه که **می بینیم**.

بوی خوش این نسیم، از شکن زلف اوست شعشه این خیال، زان رخ چون **وَالضُّحَا** است

الگوی هجایی	وَض	ضُ	حَا
الگوی واجی	و - ض	ض -	ح - ا
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند -	کوتاه U	بلند -



ترکیبات دیگر: انا الحق: أ نل حَق بیت النور: بی تُن نور والله: وَل لاه

ترکیبات دیگر نیز همین طورند. یعنی آن گونه که می خوانیم هجاها را می نویسیم، نه آن گونه که می بینیم.

الگوی هجایی	دِ	لُ	جَان
الگوی واجی	د -	ل -	ج - ا
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	U	U	-

نکته مثال فوق: «واو» عطف (حسن و حسین) و ربط (گفت و رفت) و میانوند (جست و جو) به صورت مصوت کوتاه، برای واژه قبل خود در می آیند. (حسن حسین و گفت رفت و جست جو)

تمرین

کلمات زیر را مانند نمونه های بالا تقطیع هجایی و واجی کنید. دقت داشته باشید که در هر یک از مثال های زیر **نکته ای وجود دارد!**

طلعت ، خطاپوش ، سرچشمه ، کیخسرو ، صبحگاهی ، عزتگه ، زیستگاه ، دستبند ، جهان بین ، زورآور ، غم انگیز ، انگشت نمایی ، نوآوری ، ستاره باران ، حق الناس ، سؤال برانگیز ، مأمن ، مآخذ ، مصطبه ، نئوپان ، شریعتی ، تغییر ، خویشتن داری ، دهکده ، زد و خورد ، خیال بافی ، جلال الدین ، شکرشکن ، پناهگاه ، استدعا ، مومیایی ، ضرورت ، بیابان گرد ، موجودی ، دهخدا ، محصل ، جورکشی ، گیسوان ، ابروان ، میوه ای ، عیسوی ، طبعگه ، آهوان ، مشعله ، غالیه ، نوبرانه ، عفوکردن ، اوضاع ، عودت ، رویایی ، معما ، معمّم ، موالی ، داوود ، سیاوش

طلعت					
الگوی هجایی			طَل		عَت
الگوی واجی	ط	ـَ	ل	ـَ	ت
نوع واجها	صامت	مصوت کوتاه	صامت	مصوت کوتاه	صامت
نوع هجا	بلند		بلند		بلند
علامت هجا	—		—		—

خطا پوش			
الگوی هجایی	خَ	طا	پوش
الگوی واجی	خ	ط	پ و ش
نوع واجها	صامت	مصوت کوتاه	صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	کشیده
علامت هجا	U	—	U —

سر چشمه			
الگوی هجایی	سَر	چَش	مِ
الگوی واجی	س	چ	م
نوع واجها	صامت	مصوت کوتاه	صامت
نوع هجا	بلند	بلند	کوتاه
علامت هجا	—	—	U

کیخسرو			
الگوی هجایی	کِی	خُس	رُو
الگوی واجی	ک	خ	ر و
نوع واجها	صامت	مصوت کوتاه	صامت
نوع هجا	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	—	—	—

صبح گاهی			
الگوی هجایی	صُبَح	گَا	هَی
الگوی واجی	ص	گ	ه ی
نوع واجها	صامت	صامت	مصوت بلند
نوع هجا	کشیده	بلند	بلند
علامت هجا	U —	—	—

عزتگہ			
الگوی هجایی	عِز	زَت	گَہ
الگوی واجی	ع — ز	ز — ت	گ — ہ
نوع واجها	صامت مصوت کوتاہ	صامت مصوت کوتاہ	صامت مصوت کوتاہ
نوع ہجا	بلند	بلند	بلند
علامت ہجا	—	—	—

زیستگاہ		
الگوی هجایی	زیست	گاہ
الگوی واجی	ز ی س ت	گ ا ہ
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع ہجا	کشیدہ	کشیدہ
علامت ہجا	U —	U —

دستبند		
الگوی هجایی	دست	بند
الگوی واجی	د — س ت	ب — ن د
نوع واجها	صامت مصوت کوتاہ	صامت مصوت کوتاہ
نوع ہجا	کشیدہ	کشیدہ
علامت ہجا	U —	U —

جہان بین			
الگوی هجایی	جَ	ہان	بین
الگوی واجی	ج —	ہ ا	ب ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاہ	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع ہجا	کوتاہ	بلند	بلند
علامت ہجا	U	—	—

زور آور			
الگوی هجایی	زو	را	وَر
الگوی واجی	ز و	ر ا	و — ر
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاہ
نوع ہجا	بلند	بلند	بلند
علامت ہجا	—	—	—

غم انگیز			
الگوی هجایی	غَ	مَن	گیز
الگوی واجی	غ —	م —	گ ی ز
نوع واجها	صامت	صامت	صامت
نوع هجا	مضوت کوتاه	مضوت کوتاه	مضوت بلند
علامت هجا	U	—	U —

انگشت نما					
الگوی هجایی	اَن	گُشت	نُ یا نَ یا نِ	ما	یی
الگوی واجی	ا — ن	گ — ش ت	ن —	م ا	ی ی
نوع واجها	صامت	صامت	صامت	صامت	صامت
نوع هجا	مضوت کوتاه	مضوت کوتاه	مضوت کوتاه	مضوت بلند	مضوت بلند
علامت هجا	—	U —	U	—	—

نوآوری				
الگوی هجایی	نُو	آ	وَ	ری
الگوی واجی	ن — و	ا —	و —	ر ی
نوع واجها	صامت	صامت	صامت	صامت
نوع هجا	مضوت کوتاه	مضوت بلند	مضوت کوتاه	مضوت بلند
علامت هجا	—	—	U	—

ستاره باران					
الگوی هجایی	سِ	تا	رِ	با	ران
الگوی واجی	س —	ت ا	ر —	ب ا	ر ا ن
نوع واجها	صامت	صامت	صامت	صامت	صامت
نوع هجا	مضوت کوتاه	مضوت بلند	مضوت کوتاه	مضوت بلند	مضوت بلند
علامت هجا	U	—	U	—	—

حق الناس			
الگوی هجایی	حَق	قُن	ناس
الگوی واجی	ح — ق	ق — ن	ن ا س
نوع واجها	صامت	صامت	صامت
نوع هجا	مضوت کوتاه	مضوت کوتاه	مضوت بلند
علامت هجا	—	—	U —

سوال برانگیز					
الگوی هجایی	سُ	ءال	بَ	رَن	گیز
الگوی واجی	سُ	ء ا ل	ب	ر	گ ی ز
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	کوتاه	کشیده	کوتاه	بلند	کشیده
علامت هجا	U	U—	U	—	U—

مأمن		
الگوی هجایی	مَء	مَن
الگوی واجی	م	م
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	بلند	بلند
علامت هجا	—	—

مآخذ			
الگوی هجایی	مَ	آ	خِذ
الگوی واجی	م	ء ا	خ
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—

مصطبه			
الگوی هجایی	مِص	طَ	بِ
الگوی واجی	م	ط	ب
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه
نوع هجا	بلند	کوتاه	کوتاه
علامت هجا	—	U	U

نثوپان			
الگوی هجایی	نِ	ء	پان
الگوی واجی	ن	ء	پ ا
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	کوتاه	کوتاه	بلند
علامت هجا	U	U	—

شریعتی				
الگوی هجایی	شَ	ری	عَ	تی
الگوی واجی	ش —	ر ی	ع —	ت ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	کوتاه	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	U	—	U	—

تغییر		
الگوی هجایی	تَغ	ییر
الگوی واجی	ت — غ	ی — ر
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	کشیده
علامت هجا	—	U —

خویشتن داری				
الگوی هجایی	خیش	تَن	دا	ری
الگوی واجی	خ ی — ش	ت — ن	د ا	ر ی
نوع واجها	صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع هجا	کشیده	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	U —	—	—	—

دهکده			
الگوی هجایی	ده	کَ	دَ
الگوی واجی	د — ه	ک —	د —
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه
نوع هجا	بلند	کوتاه	کوتاه
علامت هجا	—	U	U

زد و خورد			
الگوی هجایی	زَ	دُ	خُرد
الگوی واجی	ز —	د —	خ — ر د
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	کوتاه	کوتاه	کشیده
علامت هجا	U	U	U —

خیال بافی				
الگوی هجایی	خ	یال	با	فی
الگوی واجی	خ —	ی ا ل	ب ا	ف ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع هجا	کوتاه	کشیده	بلند	بلند
علامت هجا	U	U —	—	—

جلال الدین				
الگوی هجایی	ج	لا	لُد	دین
الگوی واجی	ج —	ل ا	ل — د	د ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—	—

شکرشکن				
الگوی هجایی	شِک	گَر	ش	گَن
الگوی واجی	ش — ک	ک — ر	ش —	ک — ن
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	بلند	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	—	U	—

پناہگاہ			
الگوی هجایی	پَ	ناہ	گاہ
الگوی واجی	پ —	ن ا ہ	گ ا ہ
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	کوتاه	کشیده	کشیده
علامت هجا	U	U —	U —

استدعا			
الگوی هجایی	اِس	تَد	عا
الگوی واجی	ء — س	ت — د	ع ا
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	—	—	—

مومیایی				
الگوی هجایی	مو	م	یا	یی
الگوی واجی	م و	م —	ی ا	ی — ی
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	—	U	—	—

ضرورت				
الگوی هجایی	ض	رو	ری	یت
الگوی واجی	ض —	ر و	ر ی	ی — ت
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—	—

بیابان گرد				
الگوی هجایی	ب	یا	بان	گرد
الگوی واجی	ب —	ی ا	ب ا	گ — ر د
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند	کشیده
علامت هجا	U	—	—	U —

موجودی			
الگوی هجایی	مُو	جو	دی
الگوی واجی	م —	ج و	د ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	—	—	—

دهخدا			
الگوی هجایی	ده	خ	دا
الگوی واجی	د — ه	خ —	د ا
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

محصل			
الگوی هجایی	مُ	حَص	صِل
الگوی واجی	م —	ح —	ص — ل
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—

جور کشی			
الگوی هجایی	جُور	کِ	شی
الگوی واجی	ج — و ر	ک —	ش ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	کشیده	کوتاه	بلند
علامت هجا	U —	U	—

گیسوان			
الگوی هجایی	گی	سُ	وان
الگوی واجی	گ ی	س —	و ا
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

ابروان			
الگوی هجایی	آب	رُ	وان
الگوی واجی	ء — ب	ر —	و ا
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

میوهای			
الگوی هجایی	می	وِ	ای
الگوی واجی	م ی	و —	ء ی
نوع واجها	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند
علامت هجا	—	U	—

عیسوی			
وی	سَ	عی	الگوی هجایی
و ی	س	ع ی	الگوی واجی
صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	نوع واجها
بلند	کوتاه	بلند	نوع هجا
—	U	—	علامت هجا

طبعه			
گَه	طَبَع		الگوی هجایی
ه گ	ب ع	ط	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه	صامت صامت	صامت مصوت کوتاه	نوع واجها
بلند	کشیده		نوع هجا
—	U —		علامت هجا

آهوان			
وان	هَ	آ	الگوی هجایی
و ا	ه	ء ا	الگوی واجی
صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	نوع واجها
بلند	کوتاه	بلند	نوع هجا
—	U	—	علامت هجا

مشعله			
لِ	عَ	مَش	الگوی هجایی
ل	ع	م ش	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	نوع واجها
کوتاه	کوتاه	بلند	نوع هجا
U	U	—	علامت هجا

غالیه			
ی	لِ	غا	الگوی هجایی
ی	ل	غ ا	الگوی واجی
صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	نوع واجها
کوتاه	کوتاه	بلند	نوع هجا
U	U	—	علامت هجا

نوبرانہ				
الگوی هجایی	نُو	بَ	را	نِ
الگوی واجی	ن — و	ب —	ر ا	ن —
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه	صامت مصوت بلند	صامت مصوت کوتاه
نوع هجا	بلند	کوتاه	بلند	کوتاه
علامت هجا	—	U	—	U

عفو کردن			
الگوی هجایی	عَفو	گَر	دَن
الگوی واجی	ع — ف و	ک — ر	د — ن
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	کشیده	بلند	بلند
علامت هجا	U —	—	—

اوضاع		
الگوی هجایی	أو	ضاع
الگوی واجی	ء — و	ض ا ع
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند صامت
نوع هجا	بلند	کشیده
علامت هجا	—	U —

عودت		
الگوی هجایی	عُو	دَت
الگوی واجی	ع — و	د — ت
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت کوتاه صامت
نوع هجا	بلند	بلند
علامت هجا	—	—

رویایی			
الگوی هجایی	رُو	یا	یی
الگوی واجی	ر — و	ی — ا	ی — ی
نوع واجها	صامت مصوت کوتاه صامت	صامت مصوت بلند	صامت مصوت بلند
نوع هجا	بلند	بلند	بلند
علامت هجا	—	—	—

معما			
الگوی هجایی	م	ع	ما
الگوی واجی	م	ع	م
نوع واجها	صامت	صامت	صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—

معمم			
الگوی هجایی	م	ع	م
الگوی واجی	م	ع	م
نوع واجها	صامت	صامت	صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—

موالی			
الگوی هجایی	م	وا	لی
الگوی واجی	م	و	ل
نوع واجها	صامت	صامت	صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	بلند
علامت هجا	U	—	—

داوود			
الگوی هجایی	دا	وود	
الگوی واجی	د	و	د
نوع واجها	صامت	صامت	صامت
نوع هجا	بلند	کشیده	
علامت هجا	—	U —	

سیاوش			
الگوی هجایی	سی	یا	ووش
الگوی واجی	س	ی	و
نوع واجها	صامت	صامت	صامت
نوع هجا	کوتاه	بلند	کشیده
علامت هجا	U	—	U —

۹- در چند واژه زیر حرف «ی» صامت است؟

«مینا و آسمان - میدان بزرگ - سیر و سفر - لایلا و مجنون - ناحیه - باستانی - یار غار - شمع آجین - قیم - خویشاوند - یگه تاز - دیوان سالار - دیر و حرم - دو بیت شعر»

(۱) هفت (۲) هشت (۳) نه (۴) ده

۱۰- تعداد هجاهای کدام مصراع کمتر است؟

(۱) اوقات خوش آن بود که با دوست به سر شد (۲) سرسبزترین بهار تقدیم تو باد
(۳) ناگهان پرده درانداخته‌ای یعنی چه (۴) یک روز به شیدایی در زلف تو آویزم

۱۱- به ترتیب در چند واژه، حرف «و» مصوت کوتاه و حرف «ی»، صامت است؟

«دوگانه - هاون - چهارپایه - سیل بار - موسی - سینا - دوستی - وحدت - میدان - یادآوری»

(۱) یک - سه (۲) دو - سه (۳) دو - چهار (۴) یک - چهار

۱۲- عبارت «پیدایش نخستین انسان» چند واج دارد؟

(۱) ۲۱ (۲) ۲۲ (۳) ۲۳ (۴) ۲۵

۱۳- تعداد واج‌های مصراع «آن کس که تو را خواست نیاسود» در کدام گزینه آمده است؟

(۱) بیست و دو (۲) بیست و سه (۳) بیست و چهار (۴) بیست و پنج

۱۴- اگر مصراع زیر را با قوانین شعری بخوانیم، چند واج را تلفظ خواهیم کرد؟

«ویران شود آن شهر که میخانه ندارد»

(۱) ۳۰ (۲) ۳۱ (۳) ۳۲ (۴) ۳۳

۱۵- در بیت زیر به ترتیب چند هجای بلند و کشیده وجود دارد؟

گوی خوبی که برد از تو که خورشید آنجا نه سواری است که در دست عنانی دارد
(۱) چهارده - سه (۲) چهارده - دو (۳) سیزده - سه (۴) سیزده - دو

۱۶- در بیت زیر چند مصوت بلند وجود دارد؟

رفته بودیم به خلوت که دگر می نخوریم ساقیا باده بده کز سر آن گردیدیم
(۱) نه (۲) ده (۳) یازده (۴) دوازده

۱۷- در بیت زیر چند مصوت کوتاه وجود دارد؟

هوا خواه توأم جانا و می دانم که می دانی که هم نادیده می بینی و هم ننوشته می خوانی
(۱) هجده (۲) هفده (۳) شانزده (۴) پانزده

۱۸- در هر مصراع از شعر زیر به ترتیب چند هجای بلند وجود دارد؟

من ترک عشق و شاهد و ساغر نمی‌کنم صد بار توبه کردم و دیگر نمی‌کنم
(۱) هشت - هشت (۲) هفت - هفت (۳) هشت - هفت (۴) هفت - هشت

۱۹- در بیت زیر به ترتیب چند هجای بلند و کوتاه وجود دارد؟

گفتم گره نگشوده‌ام زان طره تا من بوده‌ام گفتا منش فرموده‌ام تا با تو طراری کند
(۱) ۸ - ۲۴ (۲) ۹ - ۲۳ (۳) ۱۰ - ۲۲ (۴) ۱۱ - ۲۱

۲۰- تقطیع هجایی هر دو واژه‌ی همه گزینه‌ها درست است به جز گزینه‌ی

- (۱) شریعت (U - -) ، کوکبه (U U -)
- (۲) ریاضت (U - -) ، مهر آباد (U - - -)
- (۳) کشتگاه (U - U -) ، روزنه (U U -)
- (۴) نوروز (U - U) ، سودجویی (U - -)

۲۱- تقطیع هجایی چند واژه نادرست است؟

«سوغات (U - U) - گره گشا (U U U -) - عقبی (- -) - خیال پرداز (U - - U - U) - جور و جفا (U U -) - ملک زاده (U - U -) - توبه (U -) - آواره (- - U)»
(۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

۲۲- تعداد هجاهای کوتاه کدام مصراع بیشتر است؟

(۱) طمع وصل تو می‌دارم و اندیشه هجر (۲) ما بماندیم و خیال تو به یک جای مقیم
(۳) غم زمانه خورم یا فراق یار کشم (۴) چاره کار عشق را با همه عقل جاهلیم

۲۳- در کدام بیت، تعداد کلماتی که حرف «و» در جایگاه صامت است، بیشتر است؟

(۱) من غلام توأم از روی حقیقت لیکن با وجودت نتوان گفت که من خود هستم
(۲) روزی سرت ببوسم و در پایت اوفتم پروانه را چه حاجت پروانه دخول
(۳) چنان تصوّر معشوق در خیال من است که دیگرم متصوّر نمی‌شود معقول
(۴) خار است و گل در بوستان هرچ او کند نیکوست آن سهل است پیش دوستان از دوستان بردن ستم

۲۴- در همه ابیات، واژه‌ای یافت می‌شود که حرف «و» کاربردی مانند واژه «نوروز» داشته باشد به جز گزینه:

(۱) یا رب آن شاه‌وش ماه‌رخ زهره‌جبین درّ یکتای که و گوهر یکدانه کیست
(۲) آنچه زر می‌شود از پرتو آن قلب سیاه کیمیایی است که در صحبت درویشان است
(۳) گر نور عشق حق به دل و جان افتد باله کز آفتاب فلک خوبتر شوی
(۴) یعنی بیا که آتش موسی نمود گل تا از درخت نکته توحید بشنوی



فصل سوم: درست خواندن

گفتیم وزن شعر مربوط به حس شنوایی است، پس **مهم‌ترین نکته** در به دست آوردن وزن شعر، **درست خواندن** شعر است. با وجودی که اشعار با خط چاپی و سلیس و روان فارسی نوشته شده‌اند، باز هم شاهد تپق‌های دانش‌آموزان هستیم. با توجه به روخوانی‌های دانش‌آموزانم در ۱۷ سال تدریس در کلاس‌های حضوری، اشتباهات رایج و محتمل آن‌ها را جمع‌آوری کرده‌ام. با رعایت موارد زیر، از این اشتباهات در امان خواهید ماند.

اشتباهات رایج در شعرخوانی:

۱ - **توجه یا عدم توجه به نقش‌نمای اضافه «یا ی»:** یکی از اشتباهات بسیار رایج قرار دادن «-» بعد از واژه‌ای است که نیازی به آن ندارد، یا حذف «-» بعد از واژه‌ای که حتماً باید به صورت **ترکیب اضافی** خوانده شود. با توجه به رسم‌الخط فارسی، «نقش‌نمای اضافه» معمولاً نمود نوشتاری ندارد و بودن یا نبودن آن را خودمان باید متوجه شویم. مثلاً اگر در بیت زیر، بعد از «بَر» به اشتباه «-» قرار ندهیم، وزن بیت تغییر زیادی خواهد کرد.

آیتی بود عذاب انده حافظ بی تو	که بَر هیچ کسش حاجَتِ تفسیر نبود
بدون «-»: که بَر هیچ کسش حاجت تفسیر نبود ←	کِ بَر هیچ کسش حاجَتِ تفسیر نبود
— U	
با «-»: که بَر هیچ کسش حاجت تفسیر نبود ←	کِ بَر هیچ کسش حاجَتِ تفسیر نبود
U U U	

همان‌طور که می‌بینید هجاها بسیار متفاوت می‌شود.

سوال: در چه مواقعی ممکن است نقش‌نمای اضافه «یا ی» وجود داشته باشد؟ آمدن یک اسم، ضمیر جدا یا صفت، بعد از یک اسم، ترکیب اضافی یا وصفی می‌سازد و قاعدتاً ما بین این‌ها، نقش‌نمای اضافه می‌آید.

پدرِ خانه پدرِ من پدرِ خوب

نکته: گاه بعد از ضمیر جدا نیز صفت یا مضاف‌الیه می‌آید.
من بیچاره شمای دانش‌آموز

توجه: پس از اولین خوانش، **حتماً** **نقش‌نماهای «یا ی»** در شعر وارد کنید.

سوال زیر در کنکور ریاضی سال ۹۹ آمده است. پاسخ درست در گرو خوانش صحیح بود. به خوانش قسمت‌هایی که رنگی کرده‌ام دقت کنید. (توجه: قسمت‌های رنگی را من رنگی کرده‌ام که توضیح بدهم و در کنکور یک رنگ است.)

در کدام ابیات، «صفت مضاف‌الیه» وجود دارد؟

- (الف) غنیمت دان در این عالم وصال سبز خطان را
(ب) مگر دیده است چشم خوش نگاه آن سمن بر را؟
(ج) نیچد سر ز زخم گاز شمع ما سیه‌روzan
(د) دل خود را به صد امید کردم چاک از این غافل
(هـ) عرق رخسار آن خورشید طلعت بر نمی‌دارد
- (۱) الف، ب، هـ (۲) الف، ج، د (۳) ب، ج، د (۴) ب، ج، هـ

توضیح: در گزینه‌های «الف» و «د» قبل از ضمیر اشاره «این و آن» باید مکث کرد. انتظار نداشته باشید که طراح کنکور در متن ویرگول بگذارد! زیرا که طراح تست دقیقاً درست خواندن ابیات را از شما خواسته است. ولی در گزینه‌های «ب، ج، هـ» عبارات «آن سمن بر»، «این باغ» و «آن خورشید طلعت» به کلمه قبلی اضافه شده‌اند.

۲- توجه به «واو عطف و ربط و ...»: «و» در یک درصد موارد به صورت «و-ء-و» تلفظ می‌شود و در باقی موارد به صورت مصوت کوتاه برای صامت قبل خود در می‌آید.

فرو ماند در لطف و صنع خدای ← فرو ماند در لطف صنع خدای
تاج سر گلبن و صحرا منم ← تاج سر گلبن صحرا منم
رفت و ز مبدأ چو کمی گشت دور ← رفت ز مبدأ چو کمی گشت دور



توجه: «و» میان‌وند در کلمات وندی مرکب یا مشتق مرکب نیز همین‌گونه است و به مصوت کوتاه «-ء» تبدیل می‌شود. جست و جو ← جست جو، رفت و آمد ← رفت آمد، دید و بازدید ← دید بازدید



توجه: اگر پیش از «و» عطف و ربط، واژه‌ای با مصوت بلند «ا» یا «و» آمده باشد، «و» را به صورت «ء» می‌خوانیم. (پا و سر: پا ء سر) (مینو و مریم: مینو ء مریم) (بگو و بخوان: بگو ء بخوان) (بیا و ببین: بیا ء ببین)

۳- توجه به تشدید: تشدید در شعر ۳ حالت دارد.

(الف) کلمه‌ای که تشدید دارد و در شعر مشدد خوانده می‌شود. (حالت عادی)

دیگر روز باز اتفاق افتاد که روزی‌رسان قوت روزش بداد
(ب) کلمه‌ای که تشدید دارد ولی در شعر مشدد خوانده نشده است. (حالت غیر عادی)

اتفاقاً شاه روزی شد سوار با خواص خویش از بهر شکار
«خواص» در اصل تشدید دارد. ولی در صورت مشدد خواندن، وزن آن خراب می‌شود. لذا در این بیت، مشدد نیامده است.
گفت اگر خیر است خیر اندیش تو شری جز شرت نیاید پیش
«شر» در اصل تشدید دارد ولی در هر ۲ بار بدون تشدید تلفظ شده است.

ج) کلمه‌ای که در اصل تشدید ندارد ولی بنا به ضرورت وزن، مشدّد خوانده شده است. (حالت غیر عادی)

نسوزد جان من یکباره در تاب که آمیدم زند گه‌گه بر او آب
«آمید» در اصل بدون تشدید است ولی بنا به ضرورت شعری مشدّد (آمید) آمده است.



توجه: بعضی از کلمات مانند «شفقت، دوم و...» تشدید ندارند ولی امروزه، گاهی به اشتباه مشدّد خوانده می‌شوند. توجه داشته باشید که شاعران این واژگان را به صورت درست (یعنی بدون تشدید) تلفظ می‌کرده‌اند. لذا ما نیز باید بدون تشدید بخوانیم. (در واقع با توجه به نوشتار می‌خوانیم. و نوشتار نیز قطعاً موارد فوق را رعایت می‌کند. در واقع، در این موارد بیشتر دقت می‌کنیم تا در صورت اشتباه چشم، آن را تصحیح کنیم.)

اشک من رنگ شفق یافت ز بی‌مهری یار طالع بی‌شفقت بین کسه در این کار چه کرد



نکته مهم: در کنکور اگر تشدید لازم به خواندن باشد، نوشته خواهد شد. ملاک ما متن کنکور است. متنی که می‌بینیم.



توجه: واژگانی چون «حق، خط، جر، مد، سر و...» در اصل مشدّد هستند. این واژگان اگر به صورت تنها آمده باشند، معمولاً بدون تشدید به کار می‌روند. اما اگر به کلمه‌ای اضافه شده باشند مانند «حق مطلب» و یا به صورت معطوف باشند مانند «خط و خال»، اکثراً مشدّد خوانده می‌شوند.

رقم مغلطه بر دفتر دانش نزنیم سرّ حق بر ورق شعبده ملحق نکنیم
شیعه باید آبها را گل کند خطّ سوّم را به خون کامل کند



توجه: استثنائاتی هم وجود دارد که این کلمات ممکن است با وجود اضافه شدن باز هم مشدّد خوانده نشوند. زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست در حقّ ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست دانست که خواهد شدم مرغ دل از دست وز آن خطّ چون سلسله دامی نفرستاد پس همان‌طور که گفتیم ملاک ما متنی است که می‌بینیم.

۴- **توجه به حذف همزه:** گفتیم که کلماتی مانند «آسیاب، آهن، آمد و...» و «اعتماد، احمد، امید، این، ایمان، ایران، اوستا، اورشلیم و...» با «ء» شروع می‌شوند و گفتیم که اگر قبل از این واژه‌ها، صامت بیاید، در اغلب مواقع این «همزه - ء» حذف می‌شود و صامت قبل همزه به مصوّت بعد از همزه می‌چسبد. مانند:

یار آمد ← یا را مد روح انگیز ← رو حن گیز



نکته مهم: یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات خوانشی، حذف نکردن این همزه یا حذف نابه‌جای آن است. توجه داشته باشید اگر این همزه در آخر مصراع باشد با توجه به ریتم قبل آن، به حذف یا عدم حذف آن، پی خواهیم برد. و اگر در ابتدای مصراع باشد با توجه به ریتم بعد از آن، بودن یا حذف آن را خواهیم فهمید. بهترین کار این است که مصراع‌های دارای همزه را ۲ بار بخوانیم تا با توجه به ریتم و آهنگ به حذف یا ابقای آن پی ببریم.

البته همان‌طور که گفته‌ام در اغلب مواقع این همزه حذف می‌شود ولی ممکن است طراح بیتی را بیاورد که همزه حذف نشده باشد.

نکته بسیار مهم: ممکن است پیش از همزه مصوت بیاید و باز هم همزه حذف شود. در فصل نهم در قسمت اختیارات شاعری زبانی به طور کامل به مبحث «حذف همزه» پرداخته‌ام.

۵- توجه به تغییر در ساختار واژه و تلفظ آن: شاعران بنا به ضرورت وزن گاه تغییری در شکل ظاهری کلمات ایجاد می‌کنند. مانند «اوفتاد» به جای «أفتاد» و «بدم» به جای «بودم» در شعر زیر:

چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب مَهرم به جان رسید و به عیوق بر شدم

۶- توجه به تغییر تلفظ: بعضی از واژه‌ها در شعر دو تلفظ متفاوت دارند؛ مانند: **تُرش** و **تُرش** یا **حِیوان** و **حِیوان**، **خِضر** یا **خِضر**، **جوی** و **جُوی** و ...

مگر **خِضر** مبارک‌پی تواتد که این تنها بدان تنها رساند
آبی که **خِضر** حیات از او یافت در می‌کده جو که جام دارد

دهان شهد تو داده رواج آب **خِضر** لب چو قند تو برد از نبات مصر رواج
لب تو **خِضر** و دهان تو آب حیوان است قد تو سرو و میان موی و بر به هیئت عاج

یا مثلاً بعضی افعال مانند «بود» و «بُود» ظاهری یکسان و وزنی متفاوت دارند. رعایت نکردن این تلفظ، باعث اخلاص در وزن می‌شود.

توانا بُود هر که دانا بُود ز دانش دل پیر برنا بُود
بُود آیا که در می‌کده‌ها بگشایند؟ گر از کار فروبسته ما بگشایند؟
نه پیل و نه تخت و نه بار و بنه به نانی تو سیری و هم گرسینه

توجه: تفاوت این مورد با مورد ۵ در این است که در این حالت شکل ظاهری کلمه تغییر تلفظ را نشان نمی‌دهد. زیرا تغییر تلفظ در تغییر مصوت‌های کوتاه است که معمولاً ظاهری نیستند.

در بیت زیر شاعر واژه «طَرَف» را بنا به ضرورت وزنی «طَرَف» تلفظ کرده است.

همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد خبر از من به رفیقی که به طَرَف چمن است

توجه: پسوند «ستان» نیز در بعضی شعرها به صورت «سِتان» می‌آید.

چه باید مرا جنگ زابلستان و گر جنگ ایران و کابلستان؟

واژگان «زابلستان و کابلستان» بنا به ضرورت «زابلستان و کابلستان» تلفظ شده‌اند.

به تلفظ دو واژه «سنبلستان» و «گلستان» در دو بیت زیر توجه کنید.

مژه‌ها و چشم یارم به نظر چنان نماید که میان سنبلستان چرد آهوی ختایی
در گلستان چشمم ز چه رو همیشه باز است به امید آنکه شاید تو به چشم من درآیی

۷- ساکن تلفظ کردن حرف دوم فعل امر: بنا به ضرورت وزنی گاه حرف دوم فعل امر (که حرف اول بن مضارع می شود)، به صورت ساکن تلفظ می شود. در مثال های زیر «بِشْتاب، بِسْتان، بِفَکن و بُگسل» به صورت «بِشْتاب، بِستان، بِفکن و بُگسل» تلفظ شده اند.

گفت: ای پسر این نه جای بازی است
از عمر من آنچه هست بر جای
بفکن ز پی این اساس تزویر
بشتاب که جای چاره سازی است
بستان و به عمر لیلی افزای
بگسل ز هم این نژاد و پیوند

۸- حذف مصوت کوتاه «یا - یا -» پیش از ضمیر متصل (م - ت - ش - مان - تان - شان):
گر آتش دل نهفته داری
سوزد جائت به جائت سوگند
شاعر به جای «جائت» دوم، بنا به ضرورت وزنی «جائت» آورده است.
ستم دیده را پیش او خواندند
بر نامدارانش بنشانند
شاعر به جای «نامدارانش» بنا به ضرورت وزنی «نامدارانش» آورده است.
نه سودای خودشان نه پروای کس
نه در کنج توحیدشان جای کس
شاعر به جای «خودشان» بنا به ضرورت وزنی «خودشان» گفته است.

۹- حذف همزه و مصوت قبل آن: پیش تر گفتم اگر پیش از همزه «ء»، مصوت باشد، همزه معمولاً حذف نمی شود. ولی در بعضی مواقع همزه و مصوت قبل آن، هر دو حذف می شوند، از جمله موارد زیر:
که از= کز (ک - ء - ز) که او = کاو (ک - ء - و)
که آن = کان (ک - ء - ن) داده است = دادست (د - ا - د - ء - س - ت)

گر بگویم که مرا با تو سر و کاری نیست
در و دیوار گواهی بدهد که آری هست
در بیت فوق قسمت مشخص شده به صورت «کاری» خوانده می شود.

۱۰- ویرگول «،» یا دو نقطه «:» و امثال آن:
مکث قبل از ویرگول یا دو نقطه و ... در وزن عروضی تأثیری ندارد. به ابیات زیر که مطابق نگارش و ویرایش کتاب درسی است، توجه کنید:

گویا طلوع می کند از مغرب، آفتاب
که آشوب در تمامی ذرات عالم است
ظاهراً این طور است که بعد از واژه «مغرب»، مکث می کنیم، اما در واقع «ب» به مصوت واژه بعد می چسبد و به صورت مقابل خوانده می شود. گویا طلوع می کندز مغربافتاب
بدو روی بنمود و گفت: ای دلیر
میان دلیران به کردار شیر
ظاهراً این طور است که بعد از واژه «گفت»، مکث می کنیم، اما در واقع «ت» به مصوت واژه بعد می چسبد و به صورت مقابل خوانده می شود. بدو روی بنمود گفتی دلیر...

۱۱- واژگان دو تلفظی با هر دو تلفظ وزن یکسان خواهند داشت. مثلاً واژه «یادگار» با هر دو تلفظ «یادِگار» یا «یادگار» به صورت «U — U —» هجابندی می‌شود.

 **توجه:** تلفظ با حرکت بر تلفظ با سکون ترجیح دارد.

۱۲- تفاوت‌های تلفظی مانند «خَجَل - خِجَل، عِطَر - عَطَر، مَحَبَّت - مُحَبَّت و...» در وزن تاثیری ندارند.

۱۳- توجه به نیم‌فاصله‌ها: اگر فاصله دو واژه کم‌تر از حدّ معمول و به صورت نیم‌فاصله بود، آن یک واژه است و به هیچ وجه بین آن‌ها نمی‌تواند نقش‌نمای اضافه بیابد. (البته با توجه به سوالات کنکور، زیاد به نیم‌فاصله و حتی علائم نگارشی دلخوش نباشید! زیرا متاسفانه سوالات کنکور در این سال‌ها درست ویرایش نشده بودند!)

۱۴- بعضی از واژه‌ها دو نوشتار و خوانش دارند مانند «آینه و آیین»، و بعضی واژگان شبیه یکدیگرند، مانند «مُقَدَّم و مَقَدَّم»، در هر مورد باید دقت کنیم که کدام در شعر به کار رفته است. زیرا هر کدام تقطیع و وزن متفاوتی دارد.

۱۵- توجه به یکسانی ظاهری فعل ماضی ساده سوم شخص مفرد (خواند) و مضارع ساده (مضارع التزامی بدون ب) سوم شخص مفرد (خواند). با توجه به محتوای شعر و افعال دیگر، باید متوجه شویم، به کدام صورت بخوانیم. زیرا وزن متفاوتی خواهند داشت.

همه کارم ز خودکامی به بدنای کشید آخر نهان کی ماند آن رازی کزو سازند محفل‌ها
عشق در دل ماند و یار از دست رفت دوستان دستی که کار از دست رفت
۱۶- بعضی از افعال در فارسی معیار و غیر شعر نیز به دو صورت خوانده می‌شوند. مانند: بنشین و بگذر، بگذر و بگذر و... این افعال در شعر دو حالت دارند.

الف: محل قرارگیری آن‌ها نشان می‌دهد که کدام خوانش را باید انتخاب کرد. در مثال اول، با توجه به وزن شعر قطعا واژه «بنشین» و در مثال دوم نیز با توجه به وزن شعر قطعا به صورت «بنشین» باید بخوانیم.

نفسی بیا و بنشین سخنی بگو و بشنو که قیامت است چندان سخن از دهان خندان
بیش از این صبر ندارم که تو هر دم بر قومی بنشینی و مرا بر سحر آتش بنشانی

ب: محل قرارگیری آن‌ها و وزن شعر هر دو حالت را می‌پذیرد. در مثال زیر وزن شعر به صورتی است که به هر دو صورت می‌توان این واژه را خواند.

عقل را گفتم از این پس به سلامت بنشین گفت خاموش که این فتنه دگر پیدا شد

۱۷- درست است که در عروض کلماتی مانند «بیا، سیاست، بیابان و...» به صورت «بیا، سیاست، بیابان و...» در نظر می‌گیریم، اما در خوانش این کلمات مطابق معیار تلفظ می‌کنیم.

۱۸- در خوانش کلماتی مانند «مَلک، مَلِک، مَلِک و مُلک» دقت شود زیرا تفاوت وزنی ایجاد می‌کنند.

۱۹- توجه به شباهت ظاهری بعضی ترکیبات با بعضی واژگان. در بیت زیر ترکیب «گَرَم» (گر + ضمیر متصل ـ م) ربطی به واژه «گرم» ندارد. یا در بیت بعدی ترکیب «مَنْت» (من + ضمیر متصل ـ ت) به واژه «مَنْت» ارتباطی ندارد.

مهربانی ز من آموز و گرم عمر نماند به سر تربت سعدی بطلب مهرگیا را
ای که رحمت می‌نیاید بر مَنْت آفرین بر جان و رحمت بر تنت

۲۰- در خوانش کلماتی مانند «کاین»، «کاو» دقت شود که به صورت «کین» و «کو» خوانده می‌شوند.

۲۱- «زان» و «وان» در دو بیت زیر در اصل «ز آن» و «و آن» بوده‌اند.

زان یار دنوازم، شُکری است با شکایت گر نکته‌دان عشقی، بشنو تو این حکایت
وان دل گرم که جان داشت هنوز اوفتاد از کف آن بی‌فرهنگ

۲۵- با توجه به خوانش صحیح، واژه «شکر» در کدام گزینه باید به صورت مشدد نوشته و خوانده شود؟

- الف- گه زهر روید گه شکر گه درد روید گه دوا
ب- که تعبیه است در آن لعل شکرافشانت
ج- وان یوسف چون شکر ناگه ز سفر آمد
د- جواب همچو شکر او دهد که محتاج است
ه- در فراق لب چون شکر او تلخ شدیم
- (۱) الف - ب - ه (۲) ب - ج - د (۳) الف - ج - د (۴) ب - ج - ه

۲۶- تمام واژگان مشخص شده تلفظ متفاوتی با تلفظ معیار دارند به جز گزینه ی

- (۱) باد بهار می‌وزد از گلستان شاه
(۲) دویدند هر کس که بد گرسنه
(۳) چو خوررشید تابان ز گنبد بگشت
(۴) روی بالا کرد و گفت ای عندلیب
- وز ژاله باده در قدح لاله می‌رود
به تاراج گندم شدند از بنه
تَهْمَتَن نیامد به لشکر ز دشت
از بیان حال خودمان ده نصیب

۲۷- واژه «گلستان» در کدام مصراع تلفظ متفاوت دارد؟

- (۱) شرابش ده بخوابانش برون بر از گلستانش
(۲) جز رنگ‌های دلکش از گلستان چه خیزد
(۳) ز فراق گلستانش چو در امتحان خارم
(۴) تا باغ گلستان جمال تو دیده‌ایم

۲۸- تلفظ «نماند» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) ما را دگر معامله با هیچ کس نماند
(۲) شمایی که در اوصاف حسن ترکیبش
(۳) مهربانی ز من آموز و گرم عمر نماند
(۴) دنیا و دین و صبر و عقل از من برفت اندر غمش
- بیعی که بی حضور تو کردم اقال است
مجال نطق نماند زبان گویا را
به سر تربت سعدی بطلب مهرگیا را
جایی که سلطان خیمه زد غوغا نماند عام را

۲۹- تلفظ «ترش» در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) لعبت شیرین اگر ترش ننشیند
(۲) اگر تو مست وصالی رخ تو ترش چراست
(۳) قضا به تلخی و شیرینی ای پسر رفته است
(۴) من از تو سیر نگردم و گر ترش کنی ابرو
- مدعیانش طمع کنند به حلوا
برون شیشه ز حال درون شیشه گواست
تو گر ترش بنشینی قضا چه غم دارد
جواب تلخ ز شیرین مقابل شکر آید

۳۰- در کدام یک از ابیات زیر، حذف همزه صورت نگرفته است؟

- (۱) بخوان ای مرغ اگر داری زبانی
(۲) سردفتر آیت نکویی
(۳) غرور حسنت اجازت مگر نداد ای گل
(۴) هرگز نمیرد آن‌که دلش زنده شد به عشق
- بخند ای صبح اگر داری دهانی
شاهنشاه ملک خوبرویی
که پرسشی نکنی عندلیب شیدا را
ثبت است بر جریده عالم دوام ما

۳۱- در بیت کدام گزینه، همزه حذف نمی‌شود؟

- (۱) گذر از دست رقیبان نتوان کرد به کویت
- (۲) دوش گفتم بکند لعل لبش چاره من
- (۳) یار بار افتاده را در کاروان بگذاشتند
- (۴) دیگری را در کمند آور که ما خود بنده‌ایم

۳۲- در کدام گزینه، در کلمه مشخص شده، مصوّت کوتاه پیش از ضمیر، حذف شده است؟

- (۱) و گر خویش راضی نباشد ز خویش
- (۲) به امرش وجود از عدم نقش بست
- (۳) به درگاه لطف و بزرگیش بر
- (۴) جهان متّفق بر الهیتش

۳۳- در کدام گزینه قسمت مشخص شده به صورت ترکیب اضافی خوانده نمی‌شود؟

- (۱) عقل دیوانه شد آن سلسله مشکین کو
- (۲) آن کس است اهل بشارت که اشارت داند
- (۳) باز پرسید ز گیسوی شکن در شکنش
- (۴) هر سر موی مرا با تو هزاران کار است

۳۴- واژه «شکر» در کدام گزینه باید به صورت مشدّد خوانده شود تا وزن عروضی شعر درست باشد؟

- (۱) از چاشنی قند مگو هیچ و ز شکر
- (۲) طوطی‌ای را به خیال شکری دل، خوش بود
- (۳) شکرفروش که عمرش دراز باد چرا
- (۴) ای دوست شکر بهتر، یا آنکه شکر سازد؟

۳۵- در کدام گزینه تلفّظ واژه «بود» متفاوت است؟

- (۱) اوقات خوش آن بود که با دوست به سر شد
- (۲) نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود
- (۳) چه ره بود این که زد در پرده مطرب
- (۴) من چه در پای تو ریزم که پسند تو بود

۳۶- در کدام گزینه هنگام خواندن حرکت قبل ضمیر «ت» حذف می‌شود؟

- (۱) بدو گفت کای سگزی بدگمان
- (۲) بر این کار یزدان تو را راز نیست
- (۳) چنان داد پاسخ که از کار بند
- (۴) بدو گفت کای مرد گم‌کرده راه

۳۷- واژه «جوی» در کدام گزینه تلفظ متفاوت دارد؟

- (۱) پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت
 - (۲) صد جوی آب بستهام از دیده برکنار
 - (۳) بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین
 - (۴) صحبت حکام ظلمت شب یلداست
- من چرا ملک جهان را به جوی نفروشم
بر بوی تخم مهر که در دل بکارمت
کاین اشارت ز جهان گذران ما را بس
نور ز خورشید جوی بو که برآید

۳۸- در کدام گزینه هم همزه و هم مصوت کوتاه قبل آن حذف می‌شود؟

- (۱) سراسر پرآشوب گردد زمین
 - (۲) نه کاووس خواهد زمن نیز کین
 - (۳) شیراز پرغوغا شده است از فتنه چشم خوش
 - (۴) جهان از فتنه و آشوب یک‌چندی برآسودی
- ز بره سیلوش به جنگ و کین
نه آشوب گردد سراسر زمین
ترسم که آشوب خوشتر برهم زند شیراز را
اگر نه روی شهرآشوب و چشم فتنه‌انگیزت

۳۹- در کدام گزینه ویرگول در محل نامناسبی قرار گرفته است و مکث در آن هجا وزن شعر را برهم می‌زند؟

- (۱) عشرت خوش است و بر طرف جوی، خوش‌تر است
 - (۲) عیش است در کنار سمن‌زار، خواب صبح
 - (۳) آب از نسیم باد، زره روی گشته گیر
 - (۴) گر شاهد است سبزه بر اطراف گلستان
- می بر سماع بلبل خوش‌گوی خوش‌تر است
نی در کنار یار سمن بوی خوش‌تر است
مفتول زلف یار زره موی خوش‌تر است
بر عارضین، شاهد گل‌روی خوش‌تر است

۴۰- هیچ‌کدام از قسمت‌های مشخص‌شده به‌صورت ترکیب اضافی خوانده نمی‌شوند به‌جز گزینه‌ی

- (۱) فکر عشق آتش غم در دل حافظ زد و سوخت
 - (۲) غنچه بلبل وصلم ز نسیمش بشکفت
 - (۳) تا لشکر غمت نکند ملک دل خراب
 - (۴) یا بخت من طریق مروّت فروگذاشت
- یار دیرینه ببینید که با یار چه کرد
مرغ خوش‌خوان طرب از برگ گل سوری کرد
جان‌عزیز خود به نوا می‌فرستمت
یا او به شاه‌راه طریقت گذر کند

فصل چهارم: درست نوشتن (خط عروضی)

پس از درست خواندن شعر، برای رسیدن به هجاهای بیت، ضروری است بیت را همانگونه که خوانده‌ایم، بنویسیم. به این نوشتار که دقیقاً مطابق خوانش است، خط عروضی می‌گویند. در خط عروضی تمام نکاتی را که در فصل دوم (انواع واج و هجا) گفتیم، باید رعایت کنیم. در واقع یک مصراع را همچون یک واژه بزرگ در نظر می‌گیریم و آن نکات را در آن رعایت می‌کنیم. یعنی به موارد زیر توجه می‌کنیم.

توجه به تشدید	مَعْلَم	←	مُعَلِّم	←	مُ	عَل	لِم
توجه به حروف ناخوانا	خواهر	←	خَاهِر	←	خَا	هَر	
نوشتن هر چه که به صدا در می‌آید	توسنی	←	تُوسَنی	←	تُو	سَ	نی
توجه به «ه» غیر ملفوظ	خانه	←	خَان	←	خَا	نَ	
حذف «ن» بعد از مصوت بلند	جانان	←	جَانَا	←	جَا	نَا	
توجه به فرآیند واجی افزایش	بیا	←	بِیا	←	بِ	یا	
توجه به ترکیبات عربی و یا مشابه آن‌ها	انالحق	←	أَنَلْحَقْ	←	أَ	نَل	حَقْ
توجه به «واو» عطف و ربط	دل و جان	←	دِلْ جَا	←	دِ	لُ	جَا
حذف همزه	اغراق‌آمیز	←	اِغْرَاقامِیز	←	اِغْ	رَا	قَا میز

توجه: موارد فوق مهمترین نکاتی است که در خط عروضی باید به آن توجه کرد، اما موارد دیگری نیز وجود

دارد که در فصول قبل به آن اشاره شد.



توجه: همانطور که گفته شد، در اصل «ن» بعد از مصوت بلند حذف نمی‌شود و در واقع مصوت بلند در این

گونه موارد، مانند مصوت کوتاه تلفظ می‌شود. **خون = خُن، خان = خَن، سین = سِن**

اکنون به خط عروضی ابیات زیر دقت کنید:

غلغلزن چهره‌نما تیز پا
غُلْغُلْ زَن چِهَرِ نُمَا تِیز پا

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا
گَشْتِ یَکِی چِشْمِ زِ سَنَگِی جُدَا

حقیقت پرده برداری ز رخسار
حَقِیْقَتِ پَرْدِ بَرْداری زِ رُخسار

چو در وقت بهار آبی پدیدار
چُ دَر وَقْتِ بَهاری پَیدِدار

خورد گاو نادان ز پهلوی خویش
خُرد گاوِ نادا زِ پَهَلوی خِیش

نباشی بس ایمن به بازوی خویش
نَباشِی بَسِیْمَن بَ بازوی خِیش

تو شری جز شرت نیاید پیش
تُ شَری جُز شَرْتِ نَیَاَدِ پیش

گفت: اگر خیر است خیراندیش
گُفَتَ: اِگر خِیر اَسْت خِیرَندِیش



توجه: بسیار پیش آمده دانش آموز، شعر را درست خوانده است، ولی در خط عروضی به دلیل کاهش سرعت، اشتباه نوشته است. برای جلوگیری از این اشتباه، پس از نوشتن شعر به خط عروضی، یک بار شعر را از روی خط عروضی بخوانید تا مشخص شود، شعر را درست می‌خوانید یا خیر. از مهم‌ترین اشتباهات در این مرحله، بحث حذف همزه یا عدم توجه به کسره اضافه است. چون وقتی به خط عروضی می‌نویسیم نگاهمان از مصراع، محدود به واژه می‌شود. و یک واژه را به خط عروضی می‌نویسیم و بعد سراغ واژه‌ی دیگر می‌رویم. به اشتباه مثال بعد توجه کنید:

بیا تا برآریم دستی ز دل	که نتوان برآورد فردا ز گل
بیا تا برآریم دستی ز دل	کِ نَتوا بَرآورد فَردا زِ گل

در خط عروضی مثال قبل ظاهراً به نظر می‌رسد شعر را به درستی به خط عروضی نوشته‌ایم. ولی همانطور که در تقطیع زیر می‌بینیم، به حذف همزه توجه نکرده بودیم.

بیا تا برآریم دستی ز دل	کِ نَتوان بَرآورد فَردا زِ گل
-------------------------	-------------------------------



نکته مهم: خط عروضی از مهم‌ترین قسمت‌های تشخیص وزن یک بیت است، حتماً بعد از نوشتن آن، یک بار دیگر آن را چک کنید. زیرا ما هجاها را از روی خط عروضی مشخص می‌کنیم. و اگر اشتباهی در این مرحله داشته باشیم، قطعاً تقطیع نهایی ما اشتباه خواهد شد.



توجه: نوشتن کسره اضافه بین دو واژه (نقش‌نمای اضافه) بسیار الزامی است.

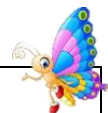
ابیات زیر را مانند نمونه به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

خدایش نگهبان و یاور بود
که گفتار سعدی پسند آیدش
که خلق از وجودش در آسایش است
که یارست با وی نبرد آزمود
میل آن را در دلش انداختند
گفته آید در حدیث دیگران
از درون من نجست اسرار من
تا که باشد که اندر آید او به گفت
مکرها بس دیده‌ام از زید و بکر
خون نگرده شیر شیرین خوش شنو
خاک ضعیف از تو توانا شده
گر تو برانی به که روی آوریم
روز دگر می‌شنوم بر ملا
زاری از این بیش که دارد که ما؟
بی نام تو نامه کی کنم باز
محراب زمین و آسمان اوست
بستان و به عمر لیلی افزای
بشتاب که جای چاره سازی است
یقین دانم که بی شک جان جانی
که پیدا کرد آدم از کفی خاک
عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک
خداوندا نگره دار از زوالش
بجوی از مردم صاحب کمالش
سلام فیضِ حَتّی مطلعِ الفجر

۱ - چو حاکم به فرمان داور بود
۲ - نصیحت کسی سودمند آیدش
۳ - خدا را بر آن بنده بخشایش است
۴ - چو ده ساله شد زان میان کس نبود
۵ - هر کسی را بهر کاری ساختند
۶ - خوش‌تر آن باشد که سر دلبران
۷ - هر کسی از ظنّ خود شد یار من
۸ - می نمود آن مرغ را هر گون شگفت
۹ - گفت آری گر وفا بینم نه مکر
۱۰ - تا نزاید بخت تو فرزند نو
۱۱ - ای همه هستی ز تو پیدا شده
۱۲ - چاره‌ی ما ساز که بیچاره‌ایم
۱۳ - هر سحر از عشق دمی می‌زنم
۱۴ - دَست از این پیش که دارد که ما؟
۱۵ - ای نام تو بهترین سرآغاز
۱۶ - حاجت‌گه جمله‌ی جهان اوست
۱۷ - از عمر من آنچه هست بر جای
۱۸ - گفت: ای پسر این نه جای بازی است
۱۹ - هر آن وصفی که گویم بیش از آنی
۲۰ - به نام کردگار هفت افلاک
۲۱ - فروغ رویت اندازی سوی خاک
۲۲ - خوشا شیراز و وضع بی مثالش
۲۳ - به شیراز آی و فیض روح قدسی
۲۴ - شب وصل است و طی شد نامه‌ی هجر



توجه: اختیارات شاعری (یعنی تفاوت هجاها) اصلاح نشده است. پس از آموختن اختیارات شاعری در فصل نهم، اختلاف هجاها را تصحیح کنید. همچنین «ن» ساکن بعد از مصوّت بلند نیز در بسیاری از موارد حذف نشده است تا مشخص شود.



بیت ۱										
چو حاکم به فرمان داور بود										
خدایش نگهبان و یاور بود										
عروضی مصرع اول										
چ	ح	ک	ب	ق	م	ن	د	و	ر	ب
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
علامت										
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف										
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
علامت										
خ	د	ی	ن	گ	ب	ن	د	و	ر	ب
عروضی مصرع دوم										
خدایش نگهبان یاور بود										

بیت ۲										
نصیحت کسی سودمند آیدش										
که گفتار سعدی پسند آیدش										
عروضی مصرع اول										
ن	ص	ح	ک	س	سو	د	م	د	ا	ی
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
علامت										
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف										
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
علامت										
ک	گ	ت	ر	س	دی	پ	س	د	ا	ی
عروضی مصرع دوم										
ک گفتار سعدی پسند آیدش										

بیت ۳										
خدا را بر آن بنده بخشایش است										
که خلق از وجودش در آسایش است										
عروضی مصرع اول										
خ	د	ر	ب	ر	ن	د	ب	ش	ا	ی
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
علامت										
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف										
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
علامت										
ک	خ	ق	و	ج	د	ر	س	ا	ی	ش
عروضی مصرع دوم										
ک خلق از وجودش در آسایش است										

بیت ۴										
چو ده ساله شد زان میان کس نبود										
که یارست با وی نبرد آزمود										
عروضی مصرع اول										
چ	د	س	ل	ش	ز	م	ی	ا	ک	ن
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
علامت										
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
اختلاف										
—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
علامت										
ک	ی	ر	س	ب	و	ن	ر	د	ز	م
عروضی مصرع دوم										
ک یارست با وی نبرد آزمود										

هر کسی را بهر کاری ساختند											بیت ۵
میل آن را در دلش انداختند											عروضی مصراع اول
هَر	کَ	سِی	رَا	بَهِـ	رِ	کَا	رِی	سَا	خ	تَنَد	هجا
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
											اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
مِی	لِ	آ	رَا	دَر	دِ	لَش	اَن	دَا	خ	تَنَد	هجا
مِیلِ آن را دَر دِلَش اَنداختَنَد											عروضی مصراع دوم

خوش تر آن باشد که سر دلبران											بیت ۶
گفته آید در حدیث دیگران											عروضی مصراع اول
خُش	تَ	رَا	بَا	شَد	کِ	سِر	رِ	دِل	بَ	رَان	هجا
—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	علامت
							*				اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	U	—	U	—	علامت
گُف	تِ	آ	یَد	دَر	حَ	دِی	ثِ	دِی	گَ	رَان	هجا
گُفَتِ آید دَر حَدِیثِ دِیْگَرَان											عروضی مصراع دوم

هر کسی از ظن خود شد یار من											بیت ۷
از درون من نجست اسرار من											عروضی مصراع اول
هَر	کَ	سِی	اَز	ظَن	نِ	خُد	شُد	یَا	رِ	مَن	هجا
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
			*								اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
اَز	دَ	رَو	نِ	مَن	نَ	جُس	تَس	رَا	رِ	مَن	هجا
اَز دَرَوْنِ مَن نَجَسْتَسْرَارِ مَن											عروضی مصراع دوم

می نمود آن مرغ را هر گون شگفت											بیت ۸
تا که باشد که اندر آید او به گفت											عروضی مصراع اول
مِی	نِ	مَو	دَان	مُر	غ	رَا	هَر	گَوْن	شِ	گُفَت	هجا
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
											اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
تَا	کِ	بَا	شَد	کَن	دَ	رَا	یَد	اَو	بِ	گُفَت	هجا
تَا کِ بَاشَد کَنَدَرَايَد اَو بِ گُفَت											عروضی مصراع دوم

بیت ۹	گفت آری گر وفا بینم نه مکر مکرها بس دیده‌ام از زید و بکر
عروضی مصراع اول	گفت آری گر وفا بینم نه مکر
هجا	گفت آری گر وفا بینم نه مکر
علامت	— U — — — U — — — U —
اختلاف	
علامت	— U — — — U — — — U —
هجا	مکر ها بس دی دِ ام از زی دُ بکر
عروضی مصراع دوم	مکرها بس دیدِ ام از زیدُ بکر

بیت ۱۰	تا نژاید بخت تو فرزند نو خون نگرده شیر شیرین خوش شنو
عروضی مصراع اول	تا نژاید بخت تو فرزند نو
هجا	تا ن ز ا ی د ب خ ت ت ق ر ز ن د نُو
علامت	— U — — — U U — — — U —
اختلاف	
علامت	— U — — — U — — — U —
هجا	خون ن گر د د شی ر شی رین خُش شِ نُو
عروضی مصراع دوم	خون نگرده شیر شیرین خُش شنو

بیت ۱۱	ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده
عروضی مصراع اول	ای همه هستی ز تو پیدا شد
هجا	ای ه م ه س ت ی ز ت پ ی د ا ش د
علامت	— U U — — — U U — — — U U —
اختلاف	
علامت	— U U — — — U U — — — U U —
هجا	خا ک ی ض ع ی ق ز ت ت و ا ن ا ش د
عروضی مصراع دوم	خاک ضعیف از تو توانا شد

بیت ۱۲	چاره‌ی ما ساز که بیچاره‌ایم گر تو برانی به که روی آوریم
عروضی مصراع اول	چاره‌ی ما ساز که بیچاره‌ایم
هجا	چا ر ی م ا س ا ز ک ی بی چا ر ایم
علامت	— U U — — — U U — — — U U —
اختلاف	
علامت	— U U — — — U U — — — U U —
هجا	گ ر ت برانی ب ک رو یا و ریم
عروضی مصراع دوم	گر تو برانی ب ک رو یا وریم

بیت ۱۳									
ہر سحر از عشق دمی می زنم روز دگر می شنوم بر ملا									
عروضی مصرع اول									
ہر	س	ح	ر	ع	ش	ق	د	م	م
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U
اختلاف									
—	U	U	—	—	U	U	—	—	U
علامت									
رو	ز	د	گر	می	ش	ن	م	بر	لا
عروضی مصرع دوم									
روز دگر می شنوم بر ملا									

بیت ۱۴									
دست از این پیش که دارد که ما؟ زاری از این پیش که دارد که ما؟									
عروضی مصرع اول									
دست	ء	زین	پیش	ک	دا	ر	ک	ما	
—	U	—	—	U	—	—	U	—	—
اختلاف									
—	U	—	—	U	U	—	—	U	—
علامت									
زا	ری	ی	زین	پیش	ک	دا	ر	ک	ما
عروضی مصرع دوم									
زاری زین پیش ک دارد ک ما									

بیت ۱۵									
ای نام تو بهترین سر آغاز بی نام تو نامہ کی کتم باز									
عروضی مصرع اول									
ای	نا	م	ت	بہ	ت	رین	س	را	غاز
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
اختلاف									
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
علامت									
بی	نا	م	ت	نا	م	کی	ک	نم	باز
عروضی مصرع دوم									
بی نام ت نام کی کتم باز									

بیت ۱۶									
حاجتگہ جملہی جهان اوست محراب زمین و آسمان اوست									
عروضی مصرع اول									
حا	جت	گ	ہ	جم	ل	ی	ج	ہا	اوست
—	—	U	U	—	U	U	U	—	—
اختلاف									
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—
علامت									
مج	را	ب	ز	می	ن	آ	س	ما	اوست
عروضی مصرع دوم									
محراب زمین آسما اوست									

بیت ۱۷									
از عمر من آن چه هست بر جای									
عروضی مصرع اول									
هجا	آز	عُم	ر	مَ	نا	چ	هست	بَر	جای
علامت	—	—	U	U	—	U	—	U	—
اختلاف							*		
علامت	—	—	U	U	—	U	—	—	—
هجا	پس	تا	نُ	بِ	عُم	رِ	لِی	لِی	زای
عروضی مصرع دوم									
بستان بِ عُمَرِ لیلی یَفزای									

بیت ۱۸									
گفت ای پسر این نه جای بازی است									
عروضی مصرع اول									
هجا	گُف	تِی	پِ	سَ	ری	نَ	جا	یِ	با
علامت	—	—	U	U	—	U	—	U	—
اختلاف									
علامت	—	—	U	U	—	U	—	U	—
هجا	پش	تا	ب	کِ	جا	یِ	چا	رِ	سا
عروضی مصرع دوم									
بشتاب کِ جای چارِ سازِیست									

بیت ۱۹									
هر آن وصفی که گویم بیش از آنی									
عروضی مصرع اول									
هجا	هَـ	را	وَص	فی	کِ	گو	یَم	بی	شَ
علامت	U	—	—	—	U	—	—	—	U
اختلاف									
علامت	U	—	—	—	U	—	—	—	U
هجا	یَ	قی	دا	نَم	کِ	بی	شَک	جا	نِ
عروضی مصرع دوم									
یقین دانم کِ بی شک جانِ جانی									

بیت ۲۰									
به نام کردگار هفت افلاک									
عروضی مصرع اول									
هجا	بِ	نا	مِ	کِر	دِ	گا	رِ	هَفَت	آف
علامت	U	—	U	—	U	—	U	—	—
اختلاف			*				*		
علامت	U	—	—	—	U	—	—	—	—
هجا	کِ	پی	دا	گَر	د	آ	دَم	آز	کَ
عروضی مصرع دوم									
کِ پیدا کرد آدم از کفی خاک									

فروغ رویت اندازی سوی خاک عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک											بیت ۲۱
فُروغِ رویت‌اندازی سویِ خاک											عروضی مصراع اول
خاک	ی	سو	زی	دا	تَن	ی	رو	غ	رو	فُ	هجا
—	U	—	—	—	—	U	—	U	—	U	علامت
	*	*						*			اختلاف
—	U	—	—	—	—	U	—	—	—	U	علامت
خاک	ی	سو	زی	سا	ها	نقش	پب	جا	ع	هجا	
عجایب نقش‌ها سازی سوی خاک											عروضی مصراع دوم

خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش خداوندا نگه دار از زوالش											بیت ۲۲
خُشا شیرازِ وَضَعِ بیِ مِثَالِش											عروضی مصراع اول
لش	ثا	م	بی	ع	وَض	زُ	را	شی	شا	خُ	هجا
—	—	U	—	U	—	U	—	—	—	U	علامت
				*							اختلاف
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	علامت
لش	وا	ز	رَز	دا	گه	ن	دا	وَن	دا	خُ	هجا
خُداوندانِ نَگَهِ دارَز زَوَالِش											عروضی مصراع دوم

به شیراز آی و فیض روح قدسی بجوی از مردم صاحب کمالش											بیت ۲۳
بِ شیرازایِ فِیضِ رُوحِ قُدسی											عروضی مصراع اول
سی	قُد	ح	رو	ض	فی	ی	زا	را	شی	ب	هجا
—	—	U	—	U	—	U	—	—	—	U	علامت
				*	*						اختلاف
—	—	U	—	—	U	U	—	—	—	U	علامت
لش	ما	ک	حَب	صا	م	دُ	مَر	یَز	جو	ب	هجا
بِجَویزِ مَرَدَمِ صَاحِبِ کَمالِش											عروضی مصراع دوم

شب وصل است و طی شد نامه‌ی هجر سلام فیله حتی مطلع الفجر											بیت ۲۴
شَبِ وَصَلَسْتُ طَی شد نامِ یِ هَجَر											عروضی مصراع اول
هَجَر	ی	م	نا	شُد	طی	تُ	کَس	وَص	ب	شَ	هجا
—	U	U	—	—	—	U	—	—	U	U	علامت
	*								*		اختلاف
—	—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	علامت
فَجَر	عِل	لَ	مَط	تا	حَت	ه	فی	مُن	لا	سَ	هجا
سَلامُن فیهِ حَتّا مَطاعِلِ فَجَر											عروضی مصراع دوم

۴۱- خط عروضی کدام مصراع به درستی نوشته شده است؟

- (۱) دامن دولت چو به دست افتاد (دامنِ دَلت چُ بِ دَسْتُوفتاد)
- (۲) غایب مشو که عمر گرانیامه ضایع است (غایِب مَشُ کِ عُمَرِ گِرانِ مایِ ضایَعست)
- (۳) به خط و خال گدایان مده خزینه دل (بِ خَطِّ خالِ گدایانِ مَدِ خَزینِ یِ دِل)
- (۴) منهزم از خروج او خسرو خطه خطا (مُنْهَزمِز خُروجِ او خُسرو خَطِّ یِ خَطّا)

۴۲- خط عروضی کدام مصراع غلط است؟

- (۱) برفشان طره‌ای مه محمل (بَرِفْشان طُره‌ای مَه مَحْمِل)
- (۲) نهم پی بر پی آن ابرو کمان را (نَهم پی بر پی آن اَبرو کمان را)
- (۳) او خون جگر خورده و من خون دل ریش (او خُونِ جَگر خُورده و مَن خُونِ دِلِ ریش)
- (۴) روی زردم بین در آب دیده همچون زر در آب (روِی زَرْدَم بَین در آبِ دیدِه هَمچون زَر در آب)

۴۳- هجای پایانی کدام یک از کلمات زیر متفاوت است؟

- (۱) مویی چنین دریغ نباشد گره زدن
- (۲) وی هر دلی از شوق تو آواره به سویی
- (۳) باد گیسوی درختان چمن شانه کند
- (۴) می‌کُشد با اره از سنگین دلی قاتل مرا

۴۴- «ه» واژگان مشخص شده در کدام موارد ملفوظ است و در خط عروضی نوشته می‌شود؟

- الف- من ماه ندیده‌ام کلیه دار
 - ب- پیوسته صدر مصطبه‌ها بود مسکنم
 - ج- که شیخ مذهب ما عاقلی گنه دانست
 - د- که عشق از پرده‌ی عصمت برون آرد زلیخا را
 - ه- ساربان رخت منه بر شتر و بار مبند
- (۱) الف - ج (۲) ب - ه (۳) ج - ه (۴) ب - د

۴۵- خط عروضی کدام مصراع درست است؟

- (۱) اوصاف تو پیش کس نخوانم (أَصافِ تْ پیشِ کَسِ نَخانَم)
- (۲) بر بود جمالت ای مه نو (بِر بود جَمالَتِی مَه نو)
- (۳) ستایش به آفاق موجود گشت (سِتایشِ بِ آفاقِ مُجودِ گشت)
- (۴) دست از این پیش که دارد که ما (دَسْتزینِ پیشِ کِ داردِ کِ ما)

۴۶ - در هر دو بیت کدام گزینه حذف همزه وجود ندارد؟

- الف - در ده قدح که مردم چشمم نشسته است
ب - من بندهام و تو شاه من ابر سیه تو ماه
ج - هر دمی روی از من مسکین بتابی از چه روی
د - بر روی چون مـه ار چه بتابی کمند زلف
- در آرزوی نرگس مست تو در شراب
من آه زخم تو راه من ناله کنم تو خواب
هر زمان از درگه خویشم برانی از چه باب
باری به هیچ روی ز من روی بر متاب

(۱) الف - ب (۲) ج - د (۳) الف - ج (۴) ب - د

۴۷ - در ۳ بیت زیر جمعاً چند «حذف همزه» دیده می شود؟

- مرغ دل با قفسه سینه به پرواز آمد
- هر که از اهل جهان گوشه عزلت نگرفت
- اگر ادب نکند آه را عنان داری
- باز این مطرب تردست چه آواز گرفت؟
رفت از دست و رگ خواب فراغت نگرفت
توان ز چهره مطلب نقابها انداخت

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۴۸ - خط عروضی کدام مصراعها درست است؟

- الف - منظور اگر نظر بودش با تو خوش بود (مَنْظُورَ کَرِ نَظَرِ بُودَشْ بِا تْ خوش بُود)
ب - آبی است که سرچشمه اش از آتش سینه است (آبِیست کِ سَرچِشْمِ اَشْزِ آتَشِ سِیْنِست)
ج - روز عید است مگر یا شب نوروز امشب (رُوزِ عِیدِست مَکَرِ یا شَبِ نُورُوزِ مِشَب)
د - در خنده آن عقیق شکرریز خوش تر است (دَرِ خَنْدِهانِ عَقِیقِ شِکَرِریزِ خُشْتَرِست)

(۱) الف - ج (۲) الف - د (۳) ب - ج (۴) ب - د

۴۹ - خط عروضی کدام بیت درست است؟

- (۱) مکن ای شمع نهان چهره ز پروانه من
مَکْنِی شَمْعِ نَهانِ چِهرِ زِ پِروانِ مَن
(۲) خار سودای تو آویخته در دامن دل
خارِ سُدایِ تْ آویختِ دَرِ دامنِ دِل
(۳) تو نیز اگر شناسی مرا عجب نبود
تْ نِیزَ کَرِ نَشیناسیِ مَرا عَجَبِ نَبُود
(۴) بی دهان تو اگر صد قدح نوش دهند
بی دَهانِ تْ اَکَرِ صَدِ قَدَحِ نوشِ دَهند
- که ز خاکسترم این آینه پرداز گرفت
کِ زِ خاکیستَرَمِینِ آینِ پَردازِ گِرفت
ننگم آید که به اطراف گلستان گذرم
نَنگَمَآیدِ کِ بِ اطرافِ گِلِستانِ گُذَرَم
که هر چه در نظر آید از آن ضعیفترم
کِ هَرِ چِ درِ نَظَرِآیدِ ازانِ ضَعیفَتَرَم
به دهان تو که زهر آید از آن نوش مرا
بِ دَهانِ تْ کِ زَهرِآیدِ ازانِ نوشِ مَرا

۵۰ - خط عروضی مصراع : «روضه امید تویی راه ده ای یار مرا» در کدام گزینه به درستی آمده است؟

- ۱ - رُوضِ یِ اُمیدِ تُ یی راهِ دِه ای یارِ مَرا
- ۲ - رُضِ یِ اُمیدِ تُ یی راهِ دِه ای یارِ مَرا
- ۳ - رُوضِ یِ اُمیدِ تُ یی راهِ دِهی یارِ مَرا
- ۴ - رُضِ یِ اُمیدِ تو یی راهِ دِهی یارِ مَرا

۵۱ - خط عروضی کدام مصراع در مقابل آن نادرست آمده است؟

- | | |
|--|---|
| (۱) سعدیا دی رفت و فردا همچنان موجود نیست | (۲) چون سرآمد دولت شبهای وصل |
| (۳) هم تو منزهی ز جا هم همه جای حاضری | (۴) این نقد بگیر و دست از آن نسیه بدار |
| (۵) سَعِدِیا دِی رَفتُ فَرِدا هَمچَنان مُوجود نِست | (۶) چُون سَرآمَد دَوْلَتِ شَبهائِ وَصَل |
| (۷) هَم تُو مَنزَهِی ز جَا هَم هَمه جَای حَاضِرِی | (۸) اِین نَقَد بَگیرُ دَستِزَانِ نِسی بَدار |

۵۲ - خط عروضی کدام مصراع در مقابل آن صحیح است؟

- | | |
|--|---|
| (۱) سر هم نبرد اندر آرد به گرد | (۲) ناله ای دارم کش از دل گر بر آرم بگسلد |
| (۳) سیمرغ ما چه لایق زاغ آشیان توست | (۴) مگر بویی از عشق مستت کند |
| (۵) سَرِ هَم نَبَرَد اَندر آرد بَ گرد | (۶) نالِ ای دَارَم کَش از دِل گر بَر آرم بَگسَلَد |
| (۷) سِیمُرعِ ما چَ لایقِ زَاغ_آشِیانِ توست | (۸) مَگر بویی از عِشق مَسْتَت کُند |

۵۳ - خط عروضی بیت زیر در کدام گزینه صحیح است؟

«یار شو ای مونس غم خوارگان / چاره کن ای چاره بیچارگان»

- | |
|--|
| (۱) یار شُ ای مونسِ غَم خوارِگان / چارِ کن ای چارِی بیچارِگان |
| (۲) یار شُ ای مونسِ غَم خارِگان / چارِ کُن ای چارِی بیچارِگان |
| (۳) یار شُو ای مونسِ غَم خوارِگان / چارِ کُنی چارِ ی بیچارِگان |
| (۴) یار شُ وی مونسِ غَم خارِگان / چارِ کُنی چارِ ی بیچارِگان |

۵۴ - خط عروضی کدام مصراع در مقابل آن درست است؟

- | |
|---|
| (۱) دریای جمال تو چون موج زند ناگه ← دریایِ جِمالِ تُ چُن مُج زَنَد ناگَه |
| (۲) همی زد چشمک آن نرگس به سوی گل که خندانی ← هَمی زَد چِشمَک اَن نَرگَس بَ سَوی گُل کِ خَندانی |
| (۳) رها کن این همه را نام یار و دلبر گیر ← رَها کُنِین هَم را نامِ یارِ دِلبَر_گِرو |
| (۴) به گرد چرخ استاره چو مشتاقان آواره ← بَ گردِ چَرخِ اِستارِ چُ مشتاقانِ وا رِ |



فصل پنجم: تقطیع هجایی

پیش‌تر با الگوی هجایی واژه‌ها آشنا شدیم و نکاتی را نیز درباره آن آموختیم. در این مرحله از عروض، پس از نوشتن شعر به خط عروضی، هجاهای آن را مشخص می‌کنیم. و اصطلاحاً آن را **تقطیع هجایی** می‌کنیم. اکنون هجاهای دو بیت از ابیات فوق را که به خط عروضی نوشته بودیم، مشخص می‌کنیم:

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا غلغلزن چهره‌نما تیز پا
گشت یکی چشم ز سنگی جدا غلغل زن چهر نما تیز پا

گشت	ی	کی	چش	م	ز	سن	گی	ج	دا
U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
غل	غ	ل	زن	چه	ر	ن	ما	تیز	پا

نباشی بس ایمن به بازوی خویش خورد گاو نادان ز پهلوی خویش
نباشی بسیمن ب بازوی خویش خرد گاو نادان ز پهلوی خویش

ن	با	شی	ب	سی	من	ب	با	زو	ی	خیش
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U	—
خ	رد	گا	و	نا	دان	ز	په	لو	ی	خیش



توجه: هجای پایانی مصراع را همیشه بلند در نظر می‌گیریم، حتی اگر هجای کوتاه یا کشیده باشد. مانند «خیش» در بیت قبل که در اصل هجای کشیده است، ولی چون آخرین هجای مصراع است، هجای بلند در نظر گرفتیم. **توجه:** رسیدن به وزن شعر چندین مرحله دارد، مثلاً خود تقطیع هجایی در هر مصراع ۱۰ تا ۱۶ مرحله دارد. لذا کوچک‌ترین اشتباه در محل قرار دادن هجاها، ممکن است تمام زحمت ما را بر باد بدهد. برای جلوگیری از این اشتباه توصیه می‌شود، در ابتدای کار و روزهای آغازین و قبل از راه افتادن دستتان، از **خانه‌های هجایی** استفاده کنید.

بیا تا برآریم دستی ز دل که نتوان برآورد فردا ز گل
بیا تا برآریم دستی ز دل کِ نتوان برآورد فردا ز گل

ب	یا	تا	ب	را	ریم	دس	تی	ز	دل
U	—	—	U	—	—	U	—	U	—
U	—	—	U	—	—	U	—	U	—
ک	نت	وان	ب	را	ورد	فر	دا	ز	گل



توجه: نکته‌ی بسیار مهمی که در این روش باید به آن دقت کنیم، این است که هر هجا در یک خانه قرار می‌گیرد، ولی هجای کشیده را طوری می‌نویسیم که قسمت آخر آن، در خانه‌ی بعدی جای بگیرد. (زیرا هجای کشیده از نظر امتداد، برابر با یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است.)



توجه: معمولاً هجاهای دو مصراع از نظر کمی (تعداد) و کیفی (نوع) برابرند، مگر این که اختیار شاعری وجود داشته باشد که در فصول بعد به آن اشاره خواهیم کرد.



نکته: برای این که مطمئن شویم همه هجاها را نوشتیم، بهتر است شعر را، یک بار از روی هجاها بخوانیم. با این روش از صحت خط عروضی هم مطمئن می‌شویم.



نکته مهم: اصل بر این است که تعداد و نوع هجاهای دو مصراع دقیقاً با هم منطبق باشند، پس در صورت بروز اختلاف، یک بار عملکرد خود را بررسی کنید، ممکن است شما به هر دلیل اعم از حواس پرتی و یا هر دلیل دیگر، اشتباه کرده باشید، در این فرصت می‌توانید آن اختلاف ناشی از اشتباه را تصحیح کنید. ولی اگر شما درست عمل کرده باشید، اختلاف به دلیل استفاده از اختیارات شاعری است و باید از آن جهت بررسی کنید. به تقطیع بیت زیر توجه کنید.

دید پر روغن دکان و جامه چرب بر سرش زد گشت طوطی کل ز ضرب
دید پُر روغن دُکانِ جامِ چَرَب بَر سَرَش زَد گَشَت طوطی کَل زِ ضَرَب

دید	پُر	رُو	غَن	دُک	کا	نُ	جا	مِ	چَرَب
—	U	—	—	—	—	U	—	U	—
—	U	—	—	U	—	—	—	U	—
بَر	سَ	رَش	زَد	گَشَت	طو	طی	کَل	زِ	ضَرَب

ما در دو ستون اختلاف داریم. ستون ششم و هشتم گفتیم که ابتدا به تقطیع خودمان شک می‌کنیم و سریع آن را بررسی می‌کنیم. پس از بررسی متوجه می‌شویم که واژه «دُکان» را به اشتباه مشدد خوانده‌ایم و «دُ» را به اشتباه «دُک» نوشته‌ایم و اختلاف هجایی، ناشی از اشتباه ماست. آن را اصلاح می‌کنیم. در مورد خانه هشتم مطمئن می‌شویم که همه مراحل را درست رفته‌ایم و درست نوشته‌ایم ولی هنوز علامت هجاها متفاوت است. در این مرحله در می‌یابیم که این اختلاف، به دلیل استفاده شاعر از اختیار شاعری است.

پس زمانی اختلاف هجا را به اختیار شاعری مؤکول می‌کنیم که از تقطیع هجایی و مراحل قبل آن مطمئن باشیم.



توجه: اختلاف نوع هجا، اختیار شاعری پرکاربرد است و بسیار پیش می‌آید. ولی تفاوت در تعداد هجا، فقط در یک حالت پیش می‌آید و آن زمانی است که شاعر به جای دو هجای کوتاه، یک هجای بلند آورده باشد، مانند مواردی که پایان یک مصراع به صورت «U U —» و پایان مصراع دیگری به صورت «— —» باشد. در غیر این صورت، اختلاف تعداد هجا، ناشی از اشتباه ماست. (در واقع یکی از اختیارات شاعری، آوردن یک هجای بلند به جای دو هجای کوتاه است که در چند رکن به وجود می‌آید. به اختیار شاعری ابدال مراجعه کنید.) به تقطیع ابیات زیر دقت کنید.

تو به سیمای شخص می‌نگری ما در آثار صنّع حیرانیم
تُ ب سیمای شَخص می‌نگری ما درائِرِ صنّع حِیرانیم

تُ	بِ	سی	ما	ی	شَخ	ص	می	نِ	گَ	ری
U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
—	U	—	—	U	—	U	—	—	—	—
ما	دَ	را	ثا	رِ	صُن	ع	حِی	را	نیم	

در این بیت، بعد از مشاهده **اختلاف تعداد هجا**، سریع عملکرد خود را بررسی می‌کنیم. همه چیز درست انجام شده است. در می‌یابیم این اختلاف مربوط به اختیارات شاعری است. به این صورت که «به جای دو هجای کوتاه، در مصراع دیگر، یک هجای بلند» آمده است.

ابیات زیر را به خط عروضی بنویسید و تقطیع هجایی کنید.

- ۲۵ - جمله حیوانات وحشی ز آدمی

۲۶ - بفکن ز پی این اساس تزویر

۲۷ - دگر روز باز اتّفاق اوفتاد

۲۸ - پرورش آموز درون پروران

۲۹ - ای ضیاءالحق حسام الدین راد

۳۰ - بود بقّالی و وی را طوطی‌ای

۳۱ - ای خطبه‌ی تو تبارک الله

۳۲ - ای تو به صفات خویش موصوف

۳۳ - حبیب خدای جهان‌آفرین

۳۴ - آمد نوروز هم از بامداد

۳۵ - کیست در این دیرگه دیرپای

۳۶ - دستکش کس نیم از بهر گنج

۳۷ - تأمل کنان در خطا و صواب

۳۸ - چرا گوید آن چیز در خفیه مرد

۳۹ - چو دیدند کاوصاف و خلّقش نکوست

۴۰ - ما گدایان خیل سلطانیم

۴۱ - تو به سیمای شخص می‌نگری

۴۲ - دل سراپرده محبّت اوست

۴۳ - من و دل گر فدا شدیم چه باک

۴۴ - من بیچاره گردن به کمند

۴۵ - گر به عqlم سخنی می‌گویند

۴۶ - من از اینجا به ملامت نروم

۴۷ - همه گو باد ببر خرمن عمر

باشد از حیوان انسی در کمی

بگسل ز هم این نژاد و پیوند

که روزی رسان قوت روزش بداد

روز برآرنده‌ی روزی‌خوران

که فلک و ارکان چو تو شاهی نژاد

خوش نوایی سبز گویا طوطی‌ای

فیض تو همیشه تبارک الله

ای نهی تو منکر، امر معروف

نگه کرد بر روی مردان دین

آمدنش خرم و فرخنده باد

کاو «لَمَن المُلک» زند جز خدای

دستکشی می‌خورم از دسترنج

به از ژاؤخیان حاضر جواب

که گر فاش گردد شود روی‌زرد

به طبعش هواخواه گشتند و دوست

شهریند هوای جانانیم

ما در آثار صنع حیرانیم

دیده آینه‌دار طلعت اوست

غرض اندر میان سلامت اوست

چه کنم گر به رکابش نروم

بیم آن است که دیوانه شوم

که من اینجا به امیدی گروم

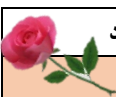
دو جهان بی تو نیززد دو جوم

 جمله حیوانات وحشی ز آدمی باشد از حیوان انسی در کمی										بیت ۲۵	
جَمَلِ حَيَوَانَاتِ وَحْشِي زَادَمِي										عروضی مصرع اول	
جَم	لِ	حِی	وَ	نَا	تِ	وَح	شِی	زَا	دَ	مِی	هجا
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
											اختلاف
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
بَا	شَ	دَز	حِی	وَ	نِ	اِن	سِی	دَر	کَ	مِی	هجا
بَاشَدَز حَیَوَانِ اِنْسِی دَر کَمِی										عروضی مصرع دوم	

 بـفـکـن زـیـی اـیـن اـسـاس تـزـوـیـر بـگـسـل ز هـم اـیـن نـژـاد و پـیـونـد										بیت ۲۶
بِـفـکـنِ زِ پـیـیـنِ اَـسـاسِ تـزـوـیـر										عروضی مصرع اول
بِف	کَن	زِ	پِ	یِیـن	اَ	سَا	سِـ	تَز	وِیـر	هجا
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	علامت
										اختلاف
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	علامت
بُـگ	سَل	زِ	هَـ	مِیـن	نِ	ژَا	دُ	پِی	وَنـد	هجا
بُـگـسـل ز هـمِیـن نِـژـادُ پِیـونـد										عروضی مصرع دوم

 دگر روز باز اتّفاق افتاد که روزی رسان قوت روزش بداد										بیت ۲۷	
دِگَر رَوزِ بَازِ تَـفـاقـوـفـتـاد										عروضی مصرع اول	
دِ	گَر	رَوز	بَا	زِ	تِ	فَا	قَوز	ف	تَاد	هجا	
U	—	—	U	—	—	—	—	U	—	علامت	
										اختلاف	
U	—	—	U	—	—	—	—	U	—	علامت	
کِ	رَوز	زِی	رِ	سَا	قَوز	تِ	رَوز	زَش	بِ	داد	هجا
کِ رَوزِی رِسا قَوتِ رَوزَش بَداد										عروضی مصرع دوم	

 پرورش آموز درون پروران روز برآرنده روزی خوران											بیت ۲۸	
پَـرَوزِشـامُوزِ دَرونِ پَـرَوزَان											عروضی مصرع اول	
پَر	وَ	رِ	شَا	مَوز	زِ	دَ	رَون	پَر	وَ	رَان	هجا	
—	U	—	—	—	U	U	—	—	U	U	—	علامت
												اختلاف
—	U	—	—	—	U	U	—	—	U	U	—	علامت
رَوز	زِ	بَ	رَا	رَن	دِ	یِ	رَوز	زِی	خُ	رَان	هجا	
رَوزِ بَـرَـآرَنـدِی رَوزِی خُـرَان											عروضی مصرع دوم	

										بیت ۲۹
ای ضیاء الحق حسام الدین راد اِی ضِیاءُ لِحَقِّ حُسَامُ دِینِ راد										عروضی مصرع اول
ای	ضِ	یا	ءَل	حَق	ح	سا	مَد	دی	نِ	راد
—	U	—	—	—	U	—	—	—	U	—
						*				
U	U	—	—	—	U	U	—	—	U	—
کِ	فَ	لَک	وَر	کان	چُ	تُ	شا	هی	نَ	زاد
کِ فَلَک وَرکان چُ تُ شاهی نَزاد										عروضی مصرع دوم

											بیت ۳۰
بود بَقَالی و وی را طوطی‌ای											عروضی مصرع اول
بود بَقَالی یِ وی را طوطی‌ای											
ای	طی	طو	را	وِی	یِ	لی	قا	بَق	بو	د	هجا
—	—	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
	*										اختلاف
—	—	—	—	—	U	—	—	—	U	—	علامت
ای	طی	طو	یا	گو	ز	سب	یی	وا	خُش	نَ	هجا
خُش نَوایی سَبز گویا طوطی‌ای											عروضی مصرع دوم

 بیت ۳۱ عروسی مصرع اول ای خطبه ی تو تبارک الله اِی خُطَبِ ی تُ تَبارکُ لَلاه									
ای	خُط	بِ	ی	تُ	تُ	با	رَ	کَل	لاه
—	—	U	U	U	U	—	U	—	—
	*			*					
—	U	U	U	—	U	—	U	—	—
فِی	ضِ	تُ	هَ	می	شِ	با	رَ	کَل	لاه
عروسی مصرع دوم فِیضِ تِ هَمیشِ بارکُ لَلاه									

										بیت ۳۲
ای تو به صفات خویش موصوف ای تو نهی تو منکر، امر معروف										عروضی مصرع اول
ای ت ب صِفاتِ خِیش مُوصوف										
ای	ت	ب	ص	فا	ت	خِیش		مُو	صوف	هجا
—	U	U	U	—	U	—	U	—	—	علامت
										اختلاف
—	—	U	U	—	U	—	U	—	—	علامت
ای	نَهِ	ی	ت	مُن	کِ	رَمَر		مَع	روف	هجا
ای نَهِی ت مَنکِرَمَر مَعروف										عروضی مصرع دوم

بیت ۳۳ حبيب خدای جهان آفرين نكه كرد بر روى مردان دين										
حَبِيبِ خُدَايِ جَهَانَ آفَرِين										
حَ	بِ	خُ	دَا	يِ	جَ	هَا	آ	فَا	رِين	
U	U	U	—	U	U	—	—	U	—	
		*								
U	—	—	U	—	—	—	—	U	—	
نِ	گَه	گَر	دَ	بَر	رَو	يِ	مَر	دَا	نِ	دِين
نِگَه گَرْد بَر رَوِي مَرْدَانِ دِين										

بیت ۳۴ آمد نوروز هم از بامداد آمدنش خرم و فرخنده باد									
آمَد نُورُوزِ هَمَزِ بَامَدَاد									
آ	مَد	نُو	رَو	ز	هَ	مَز	بَا	م	دَاد
—	—	—	—	U	U	—	—	U	—
—	U	—	—	U	U	—	—	U	—
آ	مَ	دَ	نَش	خَر	رَ	مَ	فَر	خَن	بَاد
آمَدَنَش خُرَمَ فَرخُنْدِ بَاد									

بیت ۳۵ کیست در این دیرگه دیرپای کو «لَمَنِ الْمُلْكُ» زند جز خدای کیست درین دیرگه دیرپای									
کِیْسَتِ دَرِیْنِ دِیْرگَه دِیْرپَايِ									
کِیْسَت	دَ	رِی	دِیْر	گَ	هَ	دِیْر	پَايِ		
U	U	—	—	U	U	—	U	—	—
					*				
—	U	—	—	U	U	—	—	U	—
کُو	لِ	مَ	نُل	مُلْک	زَ	نَد	جُز	خُ	دَايِ
کُو لِمَنِ الْمُلْکُ زَنَد جُزِ خُدَايِ									

بیت ۳۶ دستکش کس نیم از بهر گنج دستکشی می خورم از دسترنج									
دَسْتکِشِ کَسِ نِیْمِزِ بَهِرِ گَنجِ دَسْتکِشِ مِی خُورَمِزِ دَسْتَرَنجِ									
دَسْت	کِ	شِ	کَس	نِ	یَ	مَز	بَهِ	رِ	گَنج
U	U	U	—	U	U	—	—	U	—
		*							
—	U	—	—	U	U	—	—	U	—
دَسْت	کِ	شِ	مِی	خُ	رَ	مَز	دَسْت	رَنج	
دَسْت کِشِ مِی خُورَمَزِ دَسْتَرَنجِ									

بیت ۳۷ تأمل کنان در خطا و صواب به از ژاژخیان حاضر جواب									
تأمل کنان در خطا و صواب									
ت	ءم	مل	ک	نا	در	خ	طا	و (ء)	ص
U	—	—	U	—	—	U	—	U	U
								*	
U	—	—	U	—	—	U	—	—	U
ب	هز	ژا	ژ	خا	یا	ن	حا	ضر	ج
بهز ژاژ خیان حاضر جواب									

بیت ۳۸ چرا گوید آن چیز در خفیه مرد که گر فاش گردد شود روی زرد									
چرا گوید آن چیز در خفیه مرد									
چ	را	گو	ی	دان	چیز	در	خف	ی	مرد
U	—	—	U	—	—	U	—	U	—
U	—	—	U	—	—	U	—	U	—
ک	گر	فا	ش	گر	دد	ش	ود	رو	ی
ک گر فاش گردد شود روی زرد									

بیت ۳۹ چو دیدند که اوصاف و خلش نکوست به طبعش هواخواه گشتند و دوست									
چ دیدند کوصاف خلش نکوست									
چ	دی	دند	کو	صا	ف	خل	قش	ن	کوست
U	—	—	U	—	—	U	—	U	—
U	—	—	U	—	—	U	—	U	—
ب	طب	عش	ه	وا	خا	ه	گش	تن	دوست
ب طبعش هوا خواه گشتند دوست									

بیت ۴۰ ما گدایان خیل سلطانیم شهر بند هوای جانانیم									
ما گدایان خیل سلطانیم									
ما	گی	دا	یا	ن	خی	ل	سل	طا	نیم
—	U	—	—	U	—	U	—	—	—
			*					*	
—	U	—	U	U	—	U	—	—	—
شهر	بن	د	ه	وا	ی	جا	نا	نیم	
شهر بند هوای جانانیم									

بیت ۴۱ تو به سیمای شخص می نگری مادر آثار صنوع حیرانیم										
تُ بِ سِیمایِ شَخْصِ می نِگری										
تُ	بِ	سِ	مِ	یِ	شَخْصِ	مِ	نِ	گِ	رِ	
U	U	—	—	U	—	U	U	U	—	
*							*	*		
—	U	—	—	U	—	U	—	—	—	
ما	دَ	را	رِ	صُنْعِ	جِی	را	نِیم			
مادرِ آثارِ صنوعِ حیرانیم										

بیت ۴۲ دل سرا پرده محبت اوست دیده آینه دار طلعت اوست										
دِلِ سَرا پَرْدِیِ مُحَبَّتِ اوست										
دِلِ	سَ	رِا	پَرِ	دِ	یِ	مُ	حَبِ	بَ	تِ	اوست
—	U	—	—	U	U	U	—	U	U	—
*					*					
—	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
دی	دِ	آ	یی	نِ	دا	رِ	طَلَعِ	عَ	تِ	اوست
دیدِ آینه دارِ طَلَعَتِ اوست										

بیت ۴۳ من و دل گر فدا شدیم چه باک غرض اندر میان سلامت اوست										
مَنْ دِلِ گر فدا شدیم چِ باک										
مَ	نُ	دِلِ	گر	فَ	دا	شُ	دِیَم	چِ	باک	
U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
U	U	—	—	U	—	U	—	U	U	—
غَ	رَ	ضَن	دَرِ	مِ	یا	سَ	لا	مَ	تِ	اوست
غَرَضَنْدَرِ مِیا سَلَامَتِ اوست										

بیت ۴۴ من بیچاره گردن به کمند چه کنم گر به رکابش نروم										
مَنْ بِیچارِیِ گردَنِ بِ کَمَنْدِ										
مَ	نِ	بی	چا	رِ	یِ	گر	دَن	بِ	کَ	مَنْدِ
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
U	U	—	—	U	U	—	—	U	U	—
چِ	کُ	نَم	گر	بِ	رِ	کا	بَشِ	نَ	رَ	وَمِ
چِ کُنَمِ گر بِ رِکابِشِ نَرَوَمِ										

بیت ۴۵									
گر به عَقلَمِ سَخَنی می گویند									
بِ	عَقَد	لَم	سُ	خَ	نِ	مِ	گَو	یَند	
—	—	—	U	U	—	—	—	—	—
							*	*	
—	—	—	U	U	—	—	U	U	—
بِ	آ	نَسْت	کِ	دِ	وَا	نِ	شَ	وَم	
بِیَمِ آتَسْت کِ دِیَوَانِ شَوَم									

بیت ۴۶									
مَنْزِین جَابِ مَلَامَتِ نَرَوَم									
مَ	نَ	زِین	جَا	بِ	مَ	لَا	مَت	نَ	رَ
U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
کَ	مَ	نِ	جَا	بِ	أُ	مِ	دِ	گِ	وَم
کِ مَنی جَا بِ اُمیدی گِرَوَم									

بیت ۴۷									
هَمِ گَو باد بَرِ خَرَمَنِ عُمَر									
هَ	مِ	گَو	بَا	دِ	بِ	بَر	خَر	مَ	نِ
U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
U	U	—	—	U	U	—	—	U	—
دُ	جَ	هَان	بِی	تُ	نَ	یَر	زَد	دُ	جُ
دُ جَهَان بِی تُ نِیرَزَد دُ جَوَم									

۵۵- تقطیع هجایی کدام مصراع صحیح نمی‌باشد؟

- (- - - U - U - - U -)
(- - U - - - - U - -)
(- - U U - U - U U - - U U -)
(- - U - U - - U - U)

- ۱- ما به افسون کجا رویم از راه
۲- هر شب خیالش آید به پیشم
۳- صبح جمالش بدمید از شب گیسو
۴- ز پا فتادم بگیر دستم

۵۶- تقطیع هجایی کدام مصراع به صورت زیر نیست؟

- (- U - U - - U U - U - U - -)

- ۱- از کیمیای مهر تو زر گشت روی من
۲- بس نکته غیر حسن بیاید که تا کسی
۳- گویند سنگ لعل شود در مقام صبر
۴- حافظ چو نافه‌ی سر زلفش به دست‌توست

۵۷- در کدام گزینه ۳ هجای کشیده وجود دارد؟

- نه روی آنکه مهر دگر کس بپرویم
وان چه تیر است که در جوشن جان می‌گذرد
که هر که دل به تو پرداخت صبر نتواند
که نه در تو باز ماند مگرش بصر نباشد

- ۱- نه بوی مهر می‌شنویم از تو ای عجب
۲- کیست آن فتنه که با تیر و کمان می‌گذرد
۳- کسی که روی تو دیده است حال من داند
۴- چه کسی که هیچ‌کس را به تو بر نظر نباشد

۵۸- تعداد هجای کدام مصراع درست نیست؟

- ۱- مرو ای دوست که ما بی تو نخواهیم نشست (۱۴)
۲- گناه دوست اگر وقتی بنالد ناشکیبایی (۱۶)
۳- سلسه‌ی موی دوست حلقه دام بلاست (۱۴)
۴- تو به آرام دل خویش رسیدی سعدی (۱۳)

۵۹- تعداد هجای کدام مصراع کمتر است؟

- ۱- اثر مهر در رخس پیدااست
۲- از صبا بوی روح می‌شنوم
۳- سخن باده با لب‌ت باد است
۴- هر که بینی به جان بود قائم

۶۰ - تقطیع هجایی کدام مصراع درست است؟

- ۱- ای تنم از پای درآورده به افسوس (ای / تَ / نَم / اَز / پَای / دَر / اَوْرَدَه / بَه / اَفْـسُوس)
- ۲- ما قلم در سر کشیدیم اختیار خویش را (ما / قَ / لَم / دَر / سَر / کَشِیدِیم / اِخْـتِیار / خَویْش / را)
- ۳- منه به جان تو بار فراق بر دل ریش (مَ / نَ / هَ / بَ / جَآن / تُو / بَار / فِراق / بَر / دَل / رِیش)
- ۴- تا به هر نوعی که باشد بگذرانم روز را (تا / بَ / هَر / اَنْ / عِ / کِ / اِبا / شَد / بَگ / دَر / اَوْرَدَه / بَه / اَفْـسُوس)

۶۱ - تقطیع هجایی کدام مصراع درست است؟

- ۱- مبرید نام عنبر بر زلف چون کمندش (مَ / بَرِید / نا / م / اَعْن / بَر / اَزْل / فِ / چُن / کَ / مَن / دَش)
- ۲- به جز آه و اشک میگون نکشد دل ضعیفم (بَ / جُز / آه / اَشْک / مِیْگُون / نَ / کِ / شَد / دِل / اَضْ / اَعِی / فَم)
- ۳- برویم و رخت هستی ببریم از آستانت (بَ / رَوِیْم / اَرْخ / اَتِ / هَسْ / تِی / بَ / اَبْ / رِیْم / اَ / زَاس / اَتَا / نَت)
- ۴- برو ای فقیه و پندم مده این زمان که مستم (بَ / رُو / ی / اَف / اَقِی / اَهْ / پَن / اَدَم / اَدِ / هِیْن / زَ / مَآن / کِ / مَس / تَم)

۶۲ - تقطیع هجایی کدام گزینه نادرست است؟

- ۱- نه خرقه پوشم که باده نوشم (- - U - U - - U - U)
- ۲- راستی را صنما بی قد تو (- U - - - U U - - U -)
- ۳- عاقبت از لعل توأم کام برآید (- - U U - - U U - - U U -)
- ۴- ای که هر لحظه در خاطرم بگذری (- U - - U - - U - - U -)

۶۳ - مزر هجاهای کدام گزینه به درستی نیامده است؟

کمال دوستی باشد مراد از دوست نگرفتن											
کَ	مَ	لِ	دو	س	تِی	بَ	شَد	مُ	رَ	دَز	دو
تَن	رِف	نَگ	سَـت	دو	دَز	مُ	رَ	دَز	دو	سَـت	نَگ

هر صبحدم نسیم گل از بوستان توست											
هَر	صُب	ح	دَم	نَ	سِی	مِ	گُ	لَز	بُو	س	تَـسْت
هَر	صُب	ح	دَم	نَ	سِی	مِ	گُ	لَز	بُو	س	تَـسْت

ز اندازه بیرون تشنه ام ساقی بیار آن آب را											
زَن	دَا	زِ	بِی	رَوْن	تِش	نِ	اَم	سَاقِی	بِی	اَرِآن	اَبَـرَ
زَن	دَا	زِ	بِی	رَوْن	تِش	نِ	اَم	سَاقِی	بِی	اَرِآن	اَبَـرَ

با یکی افتاده ام که او بگسلد زنجیر را											
بَا	یِ	کِی	اُف	تَا	دِ	اَم	کُو	بُگ	سَـ	لَد	زَن
بَا	یِ	کِی	اُف	تَا	دِ	اَم	کُو	بُگ	سَـ	لَد	زَن

۶۴ - هجاهای کدام مصراع به درستی نشان داده شده است؟

(۱) گه از من خار رویانی گهی گل									
گ	آز	مَن	خا	ر	رو	یا	نی	گ	هی

(۲) مشنو آن را کان زیان دارد زیان									
مَش	نُ	آن	را	کان	زِ	یان	دا	رَد	زِ

(۳) زحمت مده آن ساقی اصحاب درآمد									
زَح	مَت	م	دِ	آن	سا	قِ	یِ	أَص	حَا

(۴) باور از مات نباشد تو در آینه نگه کن									
با	وَ	رَز	ما	ت	نَ	با	شَد	تُ	دَ

۶۵ - تقطیع هجایی کدام بیت، به شکل زیر است؟

« — — U — — — U — — — U
 گدایی به شاهی مقابل نشیند
 غم بینوایان رخم زرد کرد
 و گر نه روی زیبا در جهان هست
 چو شمس‌ت خاطر رفتن به جز تنها نمی‌باشد

« — — U — — — U — — — U
 (۱) بنام به بزم محبت که آنجا
 (۲) من از بینوایی نی‌ام روی‌زرد
 (۳) مرا خود با تو چیزی در میان هست
 (۴) تو را خود یک زمان با ما سر صحرا نمی‌باشد

۶۶ - نشانه‌های هجایی کدام گزینه به شکل زیر است؟

عجب است اگر نگرده که بگردد آسیابی
 خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت
 که عندلیب تو از هر طرف هزارانند
 و گر نه بر درخت تر، کسی تبر نمی‌زند

« — U U — U — U — — U U — U — U »

(۱) دل همچو سنگت ای دوست به آب چشم سعدی
 (۲) مدامم مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت
 (۳) نه من بر آن گل خندان غزل سرایم و بس
 (۴) نه سایه دارم و نه بر، بیفکنندم و سزاست

۶۷ - تقطیع هجایی کدام گزینه نادرست است؟

— U — — — U — — — U — — — U —
 — — U — — U — — U — — U — — U —
 — U U — — U U — — U U — — U U —
 — U U — — U U — — U U — — U U —

(۱) واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند
 (۲) دلم خون شد از غصه ساقی کجایی
 (۳) جهان‌ا عهد با من جز چنین بستی
 (۴) پرده برانداخت ز رخ یار نهان گشته‌ما

۶۸ - هجاهای تقطیع شده زیر، علایم هجایی کدام مصراع است؟

« — — U — — — U — — — U »

- (۱) جهاننا مرا خیره مهمان چه خواهی؟ (۲) ندیدم کار دنیا را کناره
(۳) مرنجان دلم را که این مرغ وحشی (۴) ای گشته جهان و خوانده دفتر

۶۹ - تقطیع هجایی کدام بیت مطابق الگوی هجایی زیر نیست؟

« — U — U — — U U — U — U — — »

- (۱) با خود مرا به خشم میار ای چرخ
(۲) ای نوبهار حسن بیا کان هوای خوش
(۳) شیدا از آن شدم که نگارم چو ماه نو
(۴) ای دل شباب رفت و نچیدی گلی ز عیش
گردن مخار ضیغم غضبان را
بر باغ و راغ و گلشن صحرا مبارکست
ابرو نمود و جلوه‌گری کرد و رو بیست
پیرانه سر مکن هنری ننگ و نام را

۷۰ - تعداد هجای کشیده کدام بیت نادرست است؟

- (۱) گر من از دوست بنالم نفسم صادق نیست
(۲) اوّل نظر ز دست برفتم عنان عقل
(۳) خنک آن درد که یارم به عیادت به سر آید
(۴) خلق را بر ناله من رحمت آمد چند بار
خبر از دوست ندارد که ز خود باخبر است (۴ مورد)
وان را که عقل رفت چه داند صواب را (۵ مورد)
دردمندان به چنین درد نخواهند دوا را (۵ مورد)
خود نگویی چند نالد سعدی مسکین من (۴ مورد)



فصل ششم: قافیه

یکی دیگر از بایسته‌های شعر که بر بار موسیقایی و خوش‌آهنگی آن می‌افزاید «قافیه» است. قافیه به زیبایی شعر می‌افزاید و گوش را نوازش می‌دهد.

در مبحث قافیه به موارد مقابل می‌پردازیم: ۱ - قافیه ۲ - ردیف ۳ - حروف قافیه (حرف یا حروف اصلی، حرف یا حروف الحاقی، حرف یا حروف مشترک) ۴ - قواعد قافیه ۵ - قافیه درونی ۶ - ذوقافیتین ۷ - قافیه در شعر نو

۱- **قافیه:** واژه‌هایی که حرف یا حروف آخر آن‌ها مشترک است و در پایان هر دو مصراع یا مصراع‌های دوم بعضی از قوالب شعری قرار می‌گیرند.

هزار جهد بکردم که سرّ عشق پیوشم نبود بر سر آتش میسّر که نجوشم
به هوش بودم از اوّل که دل به کس نسپارم شمایل تو بدیدم، نه صبر ماند و نه هوشم
۲- **ردیف:** کلمه یا کلماتی که بعد از واژه قافیه، عیناً (از نظر لفظ و معنا) تکرار می‌شود.

گل بی رخ یار خوش نباشد بی باده بهار خوش نباشد
طرف چمن و طواف بستان بی لاله‌عذار خوش نباشد



توجه: کلمات یکسان در پایان ابیات، اگر معنای متفاوت داشته باشند «ردیف» محسوب نمی‌شوند و خود «قافیه» می‌باشند.

گلاب است گویی به جویش روان همی زنده گردد ز بویش، روان
رونده، صفت فاعلی روان و روح آدمی

۳- **حروف قافیه:** حرف یا حروف مشترکی که در پایان واژه‌های قافیه می‌آید.
ما، در خلوت به روی خلق بَسَستیم از همه باز آمدیم و با تو نَشَستیم
« _ ستیم » در بیت فوق حروف مشترک واژه‌های قافیه است.



توجه: کتاب‌های نظام جدید توضیحی درباره حروف مشترک قافیه نداده است در حالی که دانستن حروف اصلی و حروف الحاقی بسیار حائز اهمیت است. شایان ذکر است که قافیه ممکن است الحاقیاتی داشته باشد که جزء خود کلمه نباشند و به واژه‌ی قافیه اضافه شده باشند. مانند شناسه «یم» در بیت فوق.

به مجموع حروف اصلی و حروف الحاقی، «حروف مشترک» قافیه می‌گویند.

به این وابسته‌ها و حروفی که به اصل واژه قافیه، اضافه شده‌اند «حرف الحاقی» می‌گویند.

به حروف مشترک خود واژه‌های قافیه «حروف اصلی» می‌گویند. (حروف اصلی: حروف مشترک منهای حروف الحاقی)
واژه‌های قافیه: بَسَستیم و نَشَستیم؛ حروف مشترک « _ ستیم»؛ حروف اصلی « _ ست» و حروف الحاقی «یم».

بگو اگر گنهی رفت و گر خطایی هست

حروف مشترک: «ای»

حروف اصلی: «ا»

بیا، بیا که مرا با تو ماجرای هست

واژه‌های قافیه: ماجرای، خطایی

حروف الحاقی: «یی»



توجه: مشخص است اگر واژه‌های قافیه، حرف یا حروف الحاقی نداشته باشند، حروف مشترک و حروف اصلی **یکسان** خواهند بود.

توجه: حروف مشترک را از آخرین مصوت اصل کلمه قافیه به بعد در نظر می‌گیریم. مثلاً اگر دو کلمه «قامتی و ندامتی» هم‌قافیه شدند، حروف مشترک آن‌ها «تی» و یا اگر دو کلمه «جفایی و وفایی» با هم قافیه شدند، حروف مشترک آن‌ها «ایی» می‌باشد.

۴- قواعد قافیه: حداقل حروف مشترک لازم برای قافیه شدن دو واژه، تابع دو قاعده است. (قواعد قافیه، مهمترین قسمت مبحث قافیه است.)

قاعده ۱: برای قافیه شدن ۲ واژه، اشتراک چند واج لازم است، ولی طبق «قاعده ۱» هر کدام از **مصوت‌های بلند «ا»** یا «و» به تنهایی می‌توانند اساس قافیه قرار بگیرند.

که به لطف پادشاهی، ز نظر مران گدا را

واژه‌های قافیه: «دعا» و «گدا»

حروف الحاقی: ندارند

قاعده: ۱

به ملازمان سلطان که رساند این دعا را

ردیف: «را»

حروف مشترک: «ا»

حروف اصلی: «ا»

در چشم تو، خیره، چشم آهو

واژه‌های قافیه: «جادو» و «آهو»

حروف الحاقی: ندارند

قاعده: ۱

ای چشم تو، دل‌فریب و جادو

ردیف: ندارد

حروف مشترک: «و»

حروف اصلی: «و»

همان‌طور ملاحظه می‌شود، حروف مشترک دو بیت فوق **فقط یک واج** است.

قاعده ۲: یک مصوت با یک یا دو صامت بعد از خود، قافیه می‌سازد.

اگر واژه‌های قافیه به مصوت‌های بلند «ا» و «و» (یعنی قاعده ۱) ختم نشوند، حروف اصلی باید در مصوت پایانی و صامت‌های بعد از آن یکسان باشند، تا دو کلمه بتوانند هم‌قافیه شوند.

دزدیده در شمایل خوب تو بنگریم

واژه‌های قافیه: «بگذریم» و «بنگریم»

حروف الحاقی: «یم»

قاعده: ۲

بگذار تا مقابل روی تو بگذریم

ردیف: ندارد

حروف مشترک: «یم»

حروف اصلی: «ر»

همان‌طور که مشاهده می‌شود حروف مشترک «ر» می‌باشد، یعنی یک مصوت و یک صامت بعد آن، یکسان هستند.

مگر کسی که به زندان عشق، در بند است

واژه‌های قافیه: «چند» و «بند»

حروف الحاقی: ندارند

قاعده: ۲

شب فراق که داند که تا سحر چند است؟

ردیف: «است»

حروف مشترک: «ند»

حروف اصلی: «ند»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، حروف مشترک «ند» می‌باشد. یعنی یک مصوت و دو صامت بعد آن، یکسان هستند.

تبصره: به آخر واژه‌های قافیه ممکن است یک یا چند حرف الحاق شود. حرف یا حروف الحاقی نیز جزء حروف مشترک قافیه‌اند و رعایت آن‌ها الزامی است.

ای پادشه خوبان، داد از غم تنهایی
دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی
«ا + یی» حروف قافیه: «ا» حرف اصلی (طبق قاعده ۱) و «یی» حروف الحاقی.

حروف الحاقی را بشناسیم:

شناسه‌ها، ضمائر متصل، پسوندها، مخفف صیغه‌های زمان حال بودن (م، ی، یم، ید، ند) و «ی» آخر بعضی واژه‌های مختوم به «ا» و «و» مثلاً در واژه‌های «خدای»، «جای»، «موی» و «بوی».

نکته بسیار مهم: دو واژه قافیه، در صورت داشتن حروف الحاقی باید، الحاقیات مشترکی داشته باشند. مثلاً نمی‌توانیم دو واژه «دستان و مستها» را قافیه کنیم.

نکته: در قاعده ۲، مصوت هر دو واژه قافیه باید یکسان باشد، ولی اگر واژه‌های قافیه الحاقی داشته باشند، مصوت می‌تواند متفاوت باشد. چنانچه در مثال زیر مصوت‌های قافیه‌ساز واژه‌های قافیه متفاوت است.

آمدمت که بنگرم، باز نظر به خود کنم
سیر نمی‌شود نظر، بس که لطیف منظری
گفتم اگر نبینمت، مهر فراموشم شود
می‌روی و مقابلی، غایب و در تصویری

نکته بسیار مهم: قاعده ۱ و ۲ مربوط به حروف اصلی قافیه است. یعنی پس از جدا کردن حروف الحاقی، حروف مشترک دو واژه قافیه باید طبق یکی از دو قاعده فوق باشد. یکی از غلط‌های بسیار رایج قافیه، زمانی است که شاعر فقط الحاقی‌ها را یکسان آورده و در صورت حذف الحاقیات، دو واژه قافیه حروف مشترک برای قافیه‌شدن را طبق هیچ کدام از دو قاعده قافیه ندارند.

دیدار تو حلّ مشکلات است
صبر از تو خلاف ممکنات است
در این زمانه بتی نیست از تو نیکوتر
نه بر تو بر شمنی از رهیت مشفق‌تر
شب سیاه بدان زلفکان تو ماند
سپید روز به پاکی رخان تو ماند

نکته: قافیه مبحثی شنیداری است ولی شکل نوشتاری حروف قافیه نیز باید مشابه و همسان باشد. لذا هم قافیه کردن کلماتی مانند: «عزیز و حسیض» «بساط و حیات» «گناه و مزاح» و ... صحیح نمی باشد.



توجه: با توجه به اینکه این جزوات در اختیار شاعران و دیگر علاقه‌مندان ادبیات فارسی قرار می‌گیرد، ذکر این نکته ضروری است که؛ در شعر امروز این قافیه خطی گاه رعایت نشده است. ولی برای کنکور و امتحان، قوانین شعر کلاسیک ملاک است نه قوانینی که شعر مدرن و پس‌مدرن به ارمغان آورده‌اند.

۵- قافیه درونی: بعضی شاعران برای غنی‌تر کردن موسیقی شعر، گاه در درون مصرع‌ها نیز قافیه می‌آورند.

مرده بدم زنده شدم، گریه بدم خنده شدم دولت عشق آمد و من، دولت پاینده شدم

در بیت فوق، قافیه‌های الزامی برای شعر دو واژه «خنده» و «پاینده» می‌باشند. ولی شاعر برای افزایش موسیقی، مصراع اول را ۲ پاره کرده است و با آوردن واژه «زنده» یک قافیه درونی و غیرضروری ساخته است.

به ابیاتی از غزل زیبای سعدی توجه کنید.

ای ساربان آهسته ران، کآرام جانم می‌رود و آن دل که با خود داشتم، با دلستانم می‌رود
من مانده‌ام مه‌جور از او، بیچاره و رنجور از او گویی که نیشی دور از او، در استخوانم می‌رود
گفتم به نیرنگ و فسون، پنهان کنم ریش درون پنهان نمی‌ماند که خون، بر آستانم می‌رود
محمل بدار ای ساروان، تندی مکن با کاروان کز عشق آن سرو روان، گویی روانم می‌رود
او می‌رود دامن‌کشان، من زهر تنهایی چشان دیگر مپرس از من نشان، کز دل، نشانم می‌رود

در شعر فوق واژه‌ی «جانم، دلستانم، استخوانم، روانم و نشانم» قافیه می‌باشند. سعدی برای افزودن موسیقی شعر، علاوه بر قافیه‌های فوق، کلمات دیگری را با یکدیگر هم‌قافیه کرده است که الزامی بر آن نبوده است. این قافیه‌های غیر ضروری را «قافیه درونی» می‌گویند.



توجه: کتاب‌های نظام جدید، قافیه درونی و قافیه میانی را یکسان در نظر گرفته و با عنوان «قافیه درونی» آورده‌اند.

۶ - ذوقافیتین: بعضی از شاعران برای افزودن موسیقی شعر، دو کلمه پایانی هر دو مصراع را هم‌قافیه کرده‌اند. این ابیات را «ذوقافیتین» می‌گویند.

گزید از غنیمت طرایف بسی کزان سان نبیند طرایف کسی

برای سالم بودن قافیه بیت فوق، وجود دو واژه‌ی «بسی» و «کسی» کافی بود. ولی شاعر برای افزایش موسیقی، واژگان قبلی آن‌ها (طرایف و طرایف) را نیز هم‌قافیه کرده است.



توجه: قافیه اصلی در ابیات ذوقافیتین، واژه‌های آخری مصراع‌هاست (یعنی؛ بسی و کسی).



توجه: در ابیاتی که ذوقافیتین هستند، گاه یک واژه یکسانی بین قافیه‌ها می‌آید. چنانکه واژه «داری» در رباعی زیر. این واژه را «حاجب» می‌گویند.

ای شاه زمین بر آسمان داری تخت
سست است عدو تا تو کمان داری سخت
حمله سبک آری و گران داری رخت
پیری تو به تدبیر و جوان داری بخت

نکته مهم: گاه شاعر با آوردن ردیف، کلماتی مانند «فریاد، افتاده، نگشاده، باد، آزاد و ...» را با هم، هم‌قافیه می‌کند. چنانکه حافظ در غزل زیر این واژگان را با هم به عنوان قافیه آورده است.

سعدی نیز در شعری کلماتی مشابه را به این صورت هم‌قافیه کرده است.

برو به کار خود ای واعظ این چه فریاد است
میان او که خدا آفریده است از هیچ
به کام تا نرساند مرا لبش چون نای
دقایقه‌ای است که هیچ آفریده نگشاده است
گدای کوی تو از هشت خلد مستغنی است
نصیحت همه عالم به گوش من باد است
اسیر عشق تو از هر دو عالم آزاد است

شب فراق که داند که تا سحر چند است
مگر کسی که به زندان عشق در بند است
گرفتم از غم دل راه بوسه‌تان گیرم
کدام سرو به بالای دوست مانند است
بیا که بر سر کویت بساط چهره ماست
به جای خاک که در زیر پایت افکنده است
خیال روی تو بیخ امید بنشانده است
بلای عشق تو بنیاد صبر برکنده است



توجه: این حالت می‌تواند برای ترکیباتی مانند «دیده است و بید است و ...» پیش بیاید. وجود ردیف با همزه آغازین الزامی است!



نکته: گاه شاعر کلماتی را با هم هم‌قافیه می‌کند که امروزه ممکن است، یکی از آن کلمات را نادرست تلفظ شود. مثلاً واژه «عید» را، امروزه بیشتر به صورت «عید» تلفظ می‌کنند. دقت داشته باشید که مثلاً واژه‌ی «عید» در شعر کلاسیک ما با کلماتی مانند «بید و سعید و سپید و ...» هم‌قافیه می‌شود نه با کلماتی مانند «صید». به بیت زیر از سعدی توجه کنید.

به روز همایون و سال سعید
به تاریخ فرخ میان دو عید
شنیدم که وقتی سحرگاه عید
ز گرمابه آمد برون بایزید
چو عاصی تُرش کرده روی از وعید
چو ابروی زندانیان روز عید

۷- قافیه در شعر نو

قافیه در شعر نو محدودیت‌های شعر کهن را ندارد و شاعر خود را اسیر قافیه نمی‌کند، بلکه معمولاً در هر بخش سروده، دو یا چند مصرع یا سطر قافیه‌دار به کار گرفته می‌شود.

از تهی سرشار،

جویبار لحظه‌ها جاری است.

چون سیوی تشنه کاندرا خواب بیند آب، و اندر آب بیند سنگ،

دوستان و دشمنان را می‌شناسم **من**

زندگی را دوست می‌دارم

مرگ را **دشمن**

وای، اما با که باید گفت این؟ من دوستی دارم

که به دشمن خواهم از او التجا **بردن**

جویبار لحظه‌ها جاری

نکته بسیار مهم: مصوت بلند «ی» و مصوت کوتاه «ه» که به صورت «ه» در پایان کلمات می‌آیند، الحاقی محسوب می‌شوند. یعنی «ی» در واژه‌هایی مانند «علی، بازی و ..» و «ه» در واژه‌هایی مانند «خسته، گیره و ...» الحاقی محسوب می‌شوند. توجه داشته باشید «ی» ممکن است در کلماتی مانند «دی، می و ...» صامت باشد و در این صورت الحاقی محسوب نمی‌شود. همچنین «ه» غیر ملفوظ نیز مانند «په، ده و ...» قطعاً الحاقی نیستند.

نکته بسیار مهم: همان‌طور گفته شد شاعر نمی‌تواند دو واژه یکسان را در پایان مصراع‌ها به‌عنوان قافیه بیاورد ولی اگر معنای آن دو متفاوت باشد، نه تنها عیب نیست بلکه حُسن نیز محسوب می‌شود و آرایه‌ی «**جناس تام**» می‌سازد.

چنان چون شده، باز جوید **روان**
روح و روان

هر که این آتش ندارد، **نیست باد**
نابود بشود

خرامان بشد سوی آب **روان**
رونده، جاری

آتش است این بانگ و نای و **نیست باد**
باد نیست

توجه: مبحث قافیه نکات بسیار ضروری دیگر دارد ولی چون این جزوه ماهیت کنکوری دارد، و در کتاب نظام جدید آن مطالب نیامده است و به تبع آن در کنکور نیز نباید بیاید، برای جلوگیری از سر در گمی دانش‌آموزان و پرهیز از افزودن مطالب غیر ضروری از آوردن آن‌ها خودداری کردم. علاقمندان به این مبحث می‌توانند در کانال تخصصی بنده این مطالب را پیگیری کنند.



نکته بسیار مهم: در اشعار شاعران بزرگ و مطرح ما - به جز موارد بسیار معدود - هیچگاه واژگان قافیه، غلط به کار نرفته‌اند. در مبحث قافیه، گاه با قافیه‌هایی مواجه می‌شویم که تصوّر می‌شود، غلط می‌باشند! ولی باید دقت داشت که این واژگان در قدیم تلفظ دیگری داشته‌اند و شاعر با توجّه به تلفظ زمان خود، دو واژه را هم‌قافیه کرده است. چنانچه سعدی دو واژه «شش» و «خوش» را که تلفظ قدیم آن‌ها «شَش» و «خَش» بوده، در شعر زیر هم‌قافیه کرده است.

در آن سالی که ما را بخت، **خوش** بود ز هجرت شش‌صد و پنجاه و **شش** بود
در بیت زیر نیز تلفظ واژه «خود»، «خَد» می‌باشد و قافیه درست است.
پس پرده بیند عمل‌های **بد** هم او پرده پوشد به آلائی **خود**

۷۱ - قافیه چند بیت غلط است؟

- الف) چربش اینجا دان که جان فربه شود
ب) که تو جانبازی نمودی بهر او
ج) تو بفرمودی که حق را یاد کن
د) چون که درویشی بیایی سوی فقر

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۷۲ - قافیه کدام بیت غلط است؟

- (۱) تا دلت آینه گردد پر صور
(۲) نخوت شاهی گرفتش جای پند
(۳) گر تو روی یار ما را دیده‌ای
(۴) لیک افزون گشت اثر ز ایجاد خلق

۷۳ - با توجّه به مبحث قافیه، کدام گزینه غلط است؟

- (۱) ز فضلش هر دو عالم گشت روشن
(۲) من ز سلام گرم او آب شدم ز شرم او
(۳) چون ز بند هوس رها هستی
(۴) بت زنجیر موی از گفتن او
- ز فیضش خاک آدم گشت گلشن (بیت ذوقافیتین است)
وز سخنان نرم او آب شوند سنگها (بیت قافیه درونی دارد)
می‌شود بند تو همه هستی (قافیه بر مبنای قاعده ۱)
برآشفته ای خوشا آشفتن او (قافیه بر مبنای قاعده ۲)

۷۴- قاعده قافیه در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) لایبالی چه کند دفتر دانایی را
 - (۲) صرف بیکاری مگردان روزگار خویش را
 - (۳) کی دو بین می شود از سایه تماشایی سرو؟
 - (۴) خامش گویا بود، چشم سخنگوی تو
- طاعت وعظ نباشد سر سودایی را
پرده روی توکل ساز، کار خویش را
هر سیه‌رو نشود پرده یکتایی سرو
نقطه بسم الله است خال بر ابروی تو

۷۵- در پاسخ به این سوال که «قافیه این بیت صحیح است یا غلط؟» کدام گزینه پاسخ اشتباهی داده است؟

- (۱) جانب دیگر گرفت آن شخص زخم
 - (۲) غم خویش در زندگی خور که خویش
 - (۳) گفت هر کس را که او مشفق‌تر است
 - (۴) بلکه عکس آن فساد و کفر او
- بی محابا بی مواسا بی ز رحم (غلط)
به مرده نپردازد از حرص خویش (درست)
نور حق در قلب او روشن‌تر است (درست)
این خیال منکری را زد بر او (غلط)

۷۶- قافیه در کدام گزینه الحاقی دارد؟

- (۱) چون غافل است دل ز حق از دل چه فایده؟
 - (۲) چمن را داغ دارد رویت از گل‌های پی در پی
 - (۳) تا دیده خود کُرد چو دستار شکوفه
 - (۴) یک نفس فارغ ز وسواس تمنا نیستی
- بی لیلی از نظاره محمل چه فایده؟
ز ریحان‌های جان‌پرور، ز سنبل‌های پی در پی
بر کرد سر از پیرهن یار شکوفه
از پریشان خاطری یک لحظه یک جا نیستی

۷۷- قافیه کدام بیت براساس «مصوت + صامت» نمی باشد؟

- (۱) راه نزدیک و بماندم سخت دیر
 - (۲) هم به مسجد باز یابی هم به دیر
 - (۳) گفت ای ناقه چو هر دو عاشق‌م
 - (۴) که یکی رقعہ نوشتم پیش شه
- سیر گشتم زین سواری سیر سیر
راه حق را قلب تو می‌کرد سیر
ما دو ضد پس همره نالایق‌م
ای عجب آنجا رسید و یافت ره

۷۸- قافیه چند بیت نادرست است؟

- (الف) پس قرین هر بشر در نیک و بد
 - (ب) گوی شو می‌گردد بر پهلوی صدق
 - (ج) چون رسید آن وقت و آن تاریخ راست
 - (د) غنچ و نازت می نگنجد در جهان
- آن ملک باشد که هم قدرش بود
غلط غلط‌تان در خم چوگان عشق
زاده شد آن شاه و نرد ملک یافت
باش تا که من شوم از تو جهان

(۴) یک

(۳) دو

(۲) سه

(۱) چهار

۷۹- کدام بیت «ذوقافیتین» است؟

- (۱) دعوتش کردند و سیرش داشتند
- (۲) صد هزاران چشم را آن راه نیست
- (۳) خامشی بحر است و گفتن هم چو جو
- (۴) کوری کوران ز رحمت دور نیست

۸۰- الگوی ساخت قافیه کدام شعر بر اساس قاعده «۲» و داشتن الحاقی است؟

- (۱) آن تویی یا سرو بستانی به رفتار آمده است
- (۲) ای جان خردمندان گوی خـم چو گانت
- (۳) تا کی ای دلبر دل من بار تنهایی کشد
- (۴) خوبرویان جفاپیشه وفا نیز کنند

۸۱- الگوی ساخت قافیه کدام شعر بر اساس «مصوّت + صامت + صامت» نیست؟

- (۱) نکونام و صاحب دل و حق پرست
- (۲) متناسباند و موزون حرکات دلفریب
- (۳) چنین است رسم سرای درشت
- (۴) سرو چمن پیش اعتدال تو پست است

۸۲- نوع قاعده قافیه در چند بیت به درستی مشخص شده است؟

- | | |
|---|---|
| الف عشق ورزیدم و عقلم به ملامت برخاست | کآن که عاشق از او راه سلامت برخاست (قاعده ۲) |
| ب) اگر مراد تو ای دوست بی مرادی ماست | مراد خویش دگر باره من نخواهم خواست (قاعده ۱) |
| پ) فرهاد را چو بر رخ شیرین نظر فتاد | دودش به سر در آمد و از پای در فتاد (قاعده ۱) |
| ت) الا ای شاه یغمایی، شدم پر شور و شیدایی | مرا یکتایی ای فرما، دو تا گشتم ز یکتایی (قاعده ۲) |
| ث) دل نمانده است که گوی خم چوگان تو نیست | خـصم را پای گریز از سر میدان تو نیست (قاعده ۱) |
- (۱) دو (۲) یک (۳) چهار (۴) سه

۸۳- چند بیت از ابیات زیر، بیش از یک قافیه پایانی دارد؟

- | | |
|---|--|
| الف) شکر یزدان را که چون او شد پدید | در خیالش جان خیال خود بدید |
| ب) در من این هست که صبرم ز نکورویان نیست | از گل و لاله گزیر است و ز گلرویان نیست |
| پ) تا چند زنـد نـرگـس مست تیرم | فرصت نـدهد دست که دستت گیرم |
| ت) بی تو حرام است به خلوت نشست | حیف بود در به چنین روی بست |
| ث) به میدان وفا یارم چنان آمد که من خواهم | ز دیوان هوا کارم چنان آمد که من خواهم |
| ج) زین سبب بر انبیا رنج و شکست | از همه خلق جهان افزون تر است |

(۱) سه (۲) چهار (۳) دو (۴) پنج

۸۴- کدام بیت قافیه درونی ندارد؟

- (۱) گه جانب خوابش کشی گه سوی اسبابش کشی
- (۲) سلسله موی دوست حلقه دام بلاست
- (۳) مجلس به تو فرخنده عشرت ز دمت زنده
- (۴) ای دلبر و مقصود ما ای قبله و معبود ما

۸۵- الگوی قافیه در کدام بیت به شکل «مصوّت + صامت + حروف الحاقی» نیست؟

- (۱) که بودش نگینی به انگشتری
- (۲) هر خار این گلستان مفتاح دلکشایی است
- (۳) نیست بر خاطر غباری از پریشانی مرا
- (۴) صاف کن ای سنگدل با دردمندان سینه را

۸۶- در کدام گزینه ردیف وجود ندارد؟

- (۱) روز وصل دوستداران یاد باد
- (۲) گر ز دست زلف مشکینت خطایی رفت رفت
- (۳) رواق منظر چشم من آشیانه توست
- (۴) دوش آگهی ز یار سفر کرده داد باد

۸۷- همه ابیات به جز بیت گزینه..... دارای قافیه درونی هستند.

- (۱) با آن همه بیداد او وین عهد بی‌بنیاد او
- (۲) از کف تو ای قمر باغ دهان پر شکر
- (۳) ای صنم خانگی مایه دیوانگی
- (۴) هر چه ز اجزای تو رو نهد سر کشد

۸۸- از میان گروه‌واژه‌های زیر چند گروه نمی‌توانند هم قافیه باشند؟

- (موسی - سرا) (سهل - رحل) (زشت - گشت) (آمده - شده) (ظن - زن) (به - ده) (دستی - رفتی) (تو - جو) (رفت - نرفت) (دهشت - دشت) (زنده - مرده) (دلی - گلی)

- (۱) پنج (۲) شش (۳) هفت (۴) هشت

۸۹- قاعده قافیه ابیات کدام گزینه با یکدیگر یکسان نیست؟

- (الف) اگر زیر دستی درآید به پای
- (ب) یک گفتش ای خسرو نیکروز
- (ج) بدیشان نبد ز آتش مهر تیو
- (د) نه تدبیر محمود و رای نکوست
- (هـ) بگو آنچه دلنی که حق گفته به
- (۱) ب - ج (۲) ب - د (۳) الف - د (۴) هـ - ج

۹۰- قاعده قافیه کدام بیت متفاوت است؟

ز خیل و چراگاه پرسیده‌ای
صورتی هرگز ندیدم کاین همه معنی در اوست
این دوم فانی است و آن اول درست
بیداد و داد و رد و قبول اختیار اوست

(۱) مرا بارها در حضر دیده‌ای
(۲) با خردمندی و خوبی پارسا و نیکخوست
(۳) کشت نو کارید بر کشت نخست
(۴) یار من آنکه لطف خداوند یار اوست



کلیات آرایه‌های ادبی

آرایه‌های ادبی در یک نگاه کلی به دو بخش **بیان (یا صَوَرِ خیال)** و **بدیع** تقسیم می‌شود.

بیان (صَوَرِ خیال)

آرایه‌هایی را می‌گویند که کار **تصویرسازی و مخیل کردن** شعر را بر عهده دارند و در سطح کنکور موارد زیر را شامل می‌شود.

تشبیه: تشبیه کامل، تشبیه بلیغ (تشبیه بلیغ اسنادی و تشبیه بلیغ اضافی یا اضافه تشبیهی)

استعاره: استعاره مصرّحه، استعاره مکنیه (اضافه‌ی استعاری، تشخیص)

مجاز: با علاقه‌های شباهت، محلیّه، کلیّه، جزئیّه و لازمیّه، آلت و ...

کنایه

نماد

بدیع

آرایه‌هایی را می‌گویند که موسیقی لفظی و معنوی را افزایش می‌دهند و به دو دسته **بدیع لفظی** و **بدیع معنوی** تقسیم می‌شود.

بدیع لفظی: آرایه‌هایی هستند که موسیقی لفظی کلام را افزایش می‌دهند و یکسانی یا مشابهت لفظی به وجود می‌آورند. مثلاً دو کلمه «دَسْتُ و مَسْتُ» از نظر معنایی با هم ارتباطی ندارند ولی **تلفّظ** آن‌ها شبیه به هم است و این **تلفّظ** مشابه، صدای یک‌نواختی دارد و **موسیقی کلام** را افزایش می‌دهد. بدیع لفظی در سطح کنکور، موارد زیر را شامل می‌شود.

بدیع لفظی تکرار، واج‌آرایی، سجع، جناس و اشتقاق.

موازنه و ترصیع نیز دو آرایه بدیع لفظی هستند که مخصوص رشته انسانی‌اند.

بدیع معنوی: آرایه‌هایی هستند که با توجّه به روابط معنایی کلمات و عبارات حاصل می‌شوند و یک نوع **موسیقی معنوی** ایجاد می‌کنند. مثلاً وقتی «گل و باغ و شبنم» را در شعری به کار می‌بریم، این کلمات از نظر لفظی مشابهتی با هم ندارند، ولی **از نظر معنایی** در ارتباط هستند و یک هماهنگی در ذهن شنونده ایجاد می‌کنند که سبب لذّت ادبی می‌شود، این کارکرد را بدیع معنوی می‌گویند. بدیع معنوی در سطح کنکور، موارد زیر را شامل می‌شود.

بدیع معنوی: حس‌آمیزی، حُسن تعلیل، پارادوکس، تضاد، ایهام و ایهام تناسب، اسلوب معادله،

تلمیح، تضمین، مراعات نظیر، لف و نشر، اغراق، مَثَل و تَخْلَص.



توجه: برای پاسخگویی به تست‌های ترکیبی، سعی کنید ابتدا با گروه اول پاسخ بدهید و اگر نشد با گروه دوم و تا جای ممکن سمت گروه سوم نروید! گروه چهارم هم معمولاً یا در تست‌ها نمی‌آیند و یا بی‌تاثیر هستند ولی به هر حال آن‌ها را نیز باید یاد بگیرید.

گروه اول	حسن آمیزی، پارادوکس، حسن تعلیل، اسلوب معادله
گروه دوم	جناس، تلمیح، اغراق، تضاد
گروه سوم	انواع تشبیه، انواع استعاره، انواع مجاز، کنایه، ایهام و ایهام تناسب
گروه چهارم	مراعات نظیر (تناسب)، تکرار، واج‌آرایی، سجع، تضمین، نماد و ...

توجه: در کتاب علوم و فنون سال دهم، مبحث بدیع لفظی، در کتاب علوم و فنون سال یازدهم، مبحث بیان و در کتاب علوم و فنون سال دوازدهم، مبحث بدیع معنوی تدریس شده است. ولی در کتاب‌های فارسی دهم و یازدهم و دوازدهم به تفکیک آرایه‌ها توجه نشده است و با توجه به نیاز بعضی از دروس، در بخش قلمرو ادبی یکی از آرایه‌ها را به صورت مختصر آموزش داده‌اند.



بدیع لفظی

واج آرایی

واج آرایی یا نغمه‌ی حروف، آرایه‌ای است که در آن شاعر یا نویسنده تعمداً از یک واج بیش از حد معمول استفاده می‌کند. به طوری که تلفظ آن واج، نسبت به سایر صداها، محسوس‌تر می‌باشد.

رشته‌ی تسبیح اگر بگسست معذورم بدار
دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود
بر او راست خم کرد و چپ کرد راست
خروش از خم چرخ چاپچی بخاست
شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی
غنیمت است چنین شب که دوستان بینی
من خاک کف پای سگ کوی تو هستم
کو آن که کف پای سگ کوی تو باشد
همان طور که ملاحظه می‌شود واج آرایی ممکن است تکرار یک حرف نباشد و تکرار یک حرکت (مصوت کوتاه) باشد. زیرا صداها نیز واج محسوب می‌شوند.



توجه: تکرار یک واج، دلبخواهی، شانسی، اتفاقی یا بدون گزینش نیست. در واقع شاعر تعمداً صدایی را تکرار می‌کند که در معنا به آن نیاز دارد. در ابیات زیر شاعر به صدای خُرد شدن برگ‌های پاییزی در زیر پا نیاز دارد، بنابراین واج‌های «خ - ز» تکرار می‌شوند.

خیزید و خُز آرید که هنگام خزان است
باد خنک از جانم خوارزم وزان است
آن برگ رزان بین که بر آن شاخ رزان است
گویی به مثل پیرهن رنگرزان است
یا در بیت زیر شاعر قصد ارائه صدای لبخند را دارد. لذا از واج «خ» بیشتر استفاده کرده است. آن گونه که ما نیز هنگام چت کردن برای خنده می‌نویسیم: خخخخ.

لبخند تو خلاصه‌ی خوبی‌هاست
لختی بخند، خنده‌ی گل زیباست

تکرار (واژه آرای)

هر گاه یک کلمه، دو یا چند بار تکرار شود. تکرار یک کلمه را زمانی آرایه تکرار در نظر می‌گیریم که معنای آن در هر دو مورد یکسان باشد. (اگر واژه‌ای در دو معنای متفاوت تکرار شود «جناس همسان یا تام» می‌شود و تکرار نیست.

گر بروم جان ما در طلب وصل دوست
حیف نباشد که دوست، دوست‌تر از جان ماست



توجه: ممکن است در تکرار یک واژه، به آن، ضمیر یا نشانه جمع و... بچسبد، این دو واژه، باز هم آرایه تکرار دارند.

چون بسی ابلیس آدم‌روی هست
پس به هر دستی نشاید داد دست
از چه‌ای گل، با گل‌ان آمیختی؟
تو مگر از شیشه روغن ریختی؟
از دوست به یادگار دردی دارم
آن درد به صد هزار درمان ندهم



توجه: تکراری که در اول و آخر بیت باشد را **تصدیر** می‌گویند. (گاه با کمی اختلاف)

آدمی در عالم خاکی نمی‌آید بـه دست
عالمی دیگر بـباید ساخت از نو، آدمی
خاقانی از این درگه، دریوزهی عبرت کن
تا از در تو زان پس، دریوزه کند خاقان



توجه: ردیف واژه‌ای است که در پایان مصراع، بعد از قافیه‌ها در معنای ثابت تکرار می‌شود. از نظر زیبایی‌شناسی نباید ردیف را، آرایه تکرار در نظر گرفت. در کنکوره‌ای قبل هم مثالی ندیدم که ردیف را آرایه تکرار محسوب کنند. ولی اگر سوال و گزینه‌ها به گونه‌ای بود که ردیف را تکرار در نظر گرفته بودند، نادرست نیست و می‌توان آن ردیف را آرایه تکرار حساب کرد. **حروف اضافه** نیز هم‌طورند. بهتر است تکرار آن‌ها را آرایه تکرار حساب نکنیم. ولی با توجه به سوال و گزینه‌ها می‌توانند تکرار محسوب شوند. یعنی اگر با تکرار در نظر گرفتن آن‌ها به جواب نرسیدید یا تست جواب نداشت، آن‌ها را تکرار بگیرید.

در بیت زیر «نیست که نیست» ردیف است و واژه «نیست» آرایه تکرار دارد زیرا در خود ردیف، تکرار شده است.
روشن از پرتو رویت نظری نیست که نیست
منت خاک درت بر بصری نیست که نیست
این حالت در بسیاری از شعرها که ردیف‌های بلند دارند، دیده می‌شود. مانند «رفت رفت» در بیت زیر:
گر ز دست زلف مشکینت خطایی رفت، رفت
ور ز هندوی شما بر ما جفایی رفت، رفت

نکته: تکرار، گاه بدون فاصله و در کنار هم می‌آید.

برای من مگری و مگو دریغ! دریغ!
جنارهام چو ببینی مگو فراق! فراق!
به دام دیو درافتی، دریغ آن باشد
مرا وصال و ملاقات آن زمان باشد



توجه: دقت شود واژگانی که از تکرار یک تکواژ ساخته می‌شوند، مانند «پرس پرسان، گاه‌گاه، تندتند و...»، و واژگانی که در ساختمان آن‌ها یک تکواژ تکرار شده است، مانند «مالامال، لبالب، دمامد و...»، اگر در بیتی بیایند، آرایه **تکرار نداریم**. زیرا هنوز یک واژه، دو بار تکرار نشده است.

دریغ می‌کنی از من نگاه را حتی
خروشان و جوشان به کردار موج
سینه، مالامال درد است ای دریغا مرهمی
بزد بر کمر بند گُرد آفرید
و نیـز زمزمه گاه‌گاه را حتی
فراز آمدند از کران فوج فوج
دل ز تنهایی به جان آمد، خدا را همدمی
زره بر برش، یک به یک، بردرید

۹۱- شاعر در کدام بیت از آرایه «واج آرای» بهره بیشتری برده است؟

- (۱) صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را
 - (۲) آن ابر دربار ز دریا که برآید
 - (۳) رسم عاشق کشی و شیوه شهر آشوبی
 - (۴) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی
- که سر به کوه و بیابان تو داده‌ای ما را
پُرکرده ز در و درم و دانه، دهان را
جامه‌ای بود که بر قامت او دوخته بود
غنیمت است چنین شب که دوستان بینی

۹۲- در کدام بیت «واج آرای» در صامت و در کسره اضافه، بیشتر به چشم می‌خورد؟

- (۱) بلبلكان با نشاط، قمریکان با خروش
 - (۲) ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد
 - (۳) دانه‌ی خال تو خون از چشم صیاد آورد
 - (۴) زان نمکدان لب شیرین شورانگیز تو
- در دهن لاله مشک، در دهن نحل، نوش
دل رمیده ما را انیس و مونس شد
این سپند شوخ آتش را به فریاد آورد
دانه خال سیه بر قرص سیمین بسته‌اند

۹۳- در تمام گزینه‌های زیر، به جز گزینه آرایه «واژه آرای» یا تکرار وجود دارد.

- (۱) روی جانان طلبی، آینه را قابل باش
 - (۲) از جرعه‌ی تو زمین، در و لعل یافت
 - (۳) شاه گفتش ای سرافکنده به عشق
 - (۴) خوش است خلوت اگر یار، یار من باشد
- ورنه هرگز گل و نسرين ندمد ز آهن و روی
بیچاره ما که پیش تو از خاک کمترین
چون تواند بود کس زنده به عشق
نه من بسوزم و او شمع انجمن باشد

۹۴- در کدام بیت، در بیش از یک واژه، «واژه آرای» دیده می‌شود؟

- (۱) تا دم از شام سر زلف تو هر جا نزنند
 - (۲) بردوخته‌ام دیده چو باز از همه عالم
 - (۳) چه شود گر من و تو چند قدح باده خوریم
 - (۴) چه دوزخی چه بهشتی چه آدمی چه پری
- با صبا گفت و شنیدم سحری نیست که نیست
تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است
باده از خون رزان است نه از خون شما
به مذهب همه کفر طریقت است امساک

سجع

یکسانی دو واژه در وزن یا حرف روی یا هر دو. (حرف روی؛ حرف پایانی و اصلی یک کلمه است بدون الحاقیات. مثلاً روی در «دستم»، «ت» و در «بهاران»، «ر» و در «پرورده‌ام»، «د» می‌باشد.)
با توجه به تعریف فوق سه نوع سجع وجود دارد: مطرف، متوازن، متوازی.

۱- سجع مطرف: هرگاه پایان دو کلمه یکسان و وزن آن‌ها متفاوت باشد.

به نام آن خدایی که نام او راحت روح است و پیغام او در وقت صبح، مومنان را صبح است.
پادشاهی او راست زبیده، خدایی او راست درخورنده.
هر نفسی که فرو می‌رود مُمدّ حیات است و چون برمی‌آید مفرّج ذات.

۲- سجع متوازن: هرگاه وزن عروضی یا وزن هجایی دو کلمه یکسان و پایان آن‌ها متفاوت باشد.

پشت و پناه سپاه من بود، در دیده‌ی دشمنان خار و بر روی دوستان خال.
فلان را کرم بی‌شمار است و هنر بی‌حساب. دارای عزمی است متین و طبعی کریم.

نکته: در سجع متوازن منظور از هم‌وزنی، وزن عروضی و هجایی است نه وزن عربی. در وزن عروضی دو کلمه «سینا و عادل» هم‌وزن هستند و سجع می‌سازند، در حالیکه هم‌وزن عربی نیستند و «عادل» فقط با کلماتی هم‌وزن می‌باشد که بر وزن «فاعل» باشند، مثل: ناصر، نادر و...
مسلم است کلماتی که هم‌وزن عربی هستند، نسبت به کلماتی که فقط هم‌وزن عروضی هستند، سجع زیباتری دارند و هم‌وزنی عربی از هم‌وزنی عروضی آهنگین‌تر است

۳- سجع متوازی: هرگاه دو کلمه هم در حروف پایانی و هم در وزن یکسان باشند. در واقع سجع متوازی، جمع

دو سجع مطرف و متوازن است.
منت خدای را عزوجلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.
بزرگان گفته‌اند: دولت، نه به کوشیدن است؛ چاره کم جوشیدن است.
جوانمرد که بخورد و بدهد، به از عابد که روزه دارد و بنهد.

توجه: باید کلمات را با تلفظ اصلی و گذشته‌شان بخوانیم تا به سجع موجود در آن دست بیابیم. مثلاً در متن زیر تلفظ «نخورد»، «نخرَد» می‌باشد.
«فی‌الجملة نمائد از معاصی منکری که نکرد و مُسکری که نَخورد.»

نکته بسیار مهم: معمولاً هر کدام از دو رکن و پایه سجع در پایان یک جمله می‌آید. لذا برای ایجاد سجع وجود ۲ جمله الزامی است. مثلاً در عبارت «کمال و جمال او را نهایت نیست»، دو واژه «کمال و جمال» سجع ندارند. زیرا در یک جمله آمده‌اند.



توجه: سجع، بیشتر در نثر به کار می‌رود اما در شعر نیز کاربرد دارد و معمولاً در وسط و پایان مصراع‌ها و می‌آید.
در رفتن جان از بدن، گویند هر نوعی سخن
من مانده‌ام مهجور از او، دیوانه و رنجور از او
من خود به چشم خویشتن، دیدم که جانم می‌رود
گویی که نیشی دور از او، در استخوانم می‌رود

۹۵- در کدام گزینه سجع وجود ندارد؟

- (۱) مال از بهر آسایش عمر است نه عمر از بهر گرد کردن مال.
- (۲) علم از بهر دین پروردن است نه از بهر دنیا خوردن.
- (۳) عالم ناپرهیزگار کور مشعله دار است.
- (۴) نصیحت از دشمن پذیرفتن خطاست ولیکن شنیدن رواست.

۹۶- در چند مورد از عبارات زیر سجع به کار رفته است؟

- الف- سخن میان دو دشمن چنان گوی که گر دوست گردند شرم‌زده نشوی.
- ب- بر دوستی دوستان اعتماد نیست تا به تملق دشمنان چه رسد.
- ج- خبری که دلی بیازارد تو خاموش تا دیگری بیارد.
- د- از تن بی‌دل طاعت نیاید و پوست بی‌مغز را بضاعت نشاید.
- ه- دو کس دشمن ملک و دینند: پادشاه بی حلم و زاهد بی علم.

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۹۷- در کدام عبارات سجع به کار رفته است؟

- الف- پنجه با شیر زدن و مشتش با شمشیر، کار خردمندان نیست.
- ب- جوهر اگر در خلاب افتد همچنان نفیس است و غبار اگر به فلک رسد همان خسیس.
- ج- سفله چون به هنر با کسی برنیاید به خبثش در پوستین افتد.
- د- دوستی را که به عمری فرا چنگ آرند شاید که به یک دم بیازارند.

- (۱) الف - ب (۲) ج - د (۳) الف - ج (۴) ب - د

موازنه و ترصیع (مخصوص رشته‌ی انسانی)

موازنه تقابل سجع‌های متوازن یا متوازی در دو یا چند جمله است که به هماهنگی آن‌ها می‌انجامد. که موجب افزایش موسیقی لفظی در شعر است.

دل	به امید	روی او	همدم	جان	نمی‌شود
جان	به هوای	کوی او	خدمت	تن	نمی‌کند
نظر	تا کنی	عرض	نقل	است	و می
نفس	تا کشی	حرف	چنگ	است	و نی
تیر	بلائی او را	جز دل	هدف	نباشد	
تیغ	جفای او را	جز جان	سپر	نباشد	

***توجه:** موازنه در نثر نیز به کار می‌رود.

در بدایت، **بند** و **چاه** بود و در نهایت **تخت** و **گاه** بود.

ترصیع موازنه‌ای است که همه سجع‌های آن متوازی باشد.

ای	منور	به	تو	نجوم	جمال
وی	مقرر	به	تو	رسوم	کمال
هم	حرکاتش	متناسب	به هم		
هم	خطواتش	متقارب	به هم		
ما	ز بالاییم	و بالا	می‌رویم		
ما	ز دریاییم	و دریا	می‌رویم		

۹۸- در کدام گزینه موازنه وجود دارد؟

- (۱) ای در زمانه راست نگشته مگسوی کژ
- (۲) بر من سخن نبست نبندد بلی سخن
- (۳) گردون چه خواهد از من بیچاره ضعیف
- (۴) در آتش شکیم چون گل فرو چکان

۹۹- در کدام گزینه موازنه یا ترصیع وجود ندارد؟

- (۱) پرواز به آنجا که نشاط است و امید است
- (۲) یکی نسوزد جز جان دیو روز نبرد
- (۳) به بوی نافه آهوست سنبیل بویا
- (۴) زمین چو کام نهنگ و گیا چو پنجه شیر

۱۰۰- در همه ابیات موازنه به کار رفته است به جز گزینه‌ی ...

- (۱) به‌سان عرعر در بوستان ملک ببال
- (۲) ابر در پیش سخایش چیست جز شرمنده‌ای
- (۳) چون زلف تو هواش ظلام از پس ظلام
- (۴) مَثَل بخت و نکوخواه تو آب است و درخت

۱۰۱- در چند بیت از ابیات زیر موازنه یا ترصیع به کار رفته است؟

- الف- همتش چون اختر از بالای هر گردون گذشت
 - ب- ثنا و شکر تو گویم همی به جان به دل
 - ج- کس چون زبان او به فصاحت زبان ندید
 - د- هر چه در سر نباشدش آن نیست
 - ه- تابنده دولت تو و فرخنده ملک تو
- هیبتش همچون قضا پهنای هر کشور گرفت
که نیست شکر و ثنا جز تو را حلال و مباح
کس چون بیان او به لطافت بیان نداشت
هر چه در دل بگردش آن باد
عالی چو چرخ و ثابت چون کوهسار باد

(۴) چهار

(۳) سه

(۲) دو

(۱) یک

جناس و انواع آن

جناس به معنی هم‌جنسی است و این هم‌جنسی در لفظ است نه در معنا. جناس یعنی دو کلمه‌ای که یا از یک جنس هستند مثل «دید و دیده» یا آن‌قدر شبیه به هم هستند که فکر می‌کنیم از یک جنس هستند، مانند «یاد و یار». جناس در واقع همسان‌بودن دو کلمه است که فقط در یک صامت یا مصوت اختلاف دارند. حتی گاه دو کلمه در تلفظ یکسانند و فقط معنای متفاوتی دارند.

جناس در نگاه کلی دو دسته است. ۱: جناس همسان (تام) ۲: جناس غیرهمسان (ناقص)

۱- جناس همسان (تام): جناسی است که دو کلمه در خوانش و نوشتار دقیقاً یکسانند و فقط در معنا تفاوت دارند.

عشق شوری در نهاد ما نهاد جان ما در بوته‌ی سودا نهاد
نهاد: ۱- ضمیر و درون و باطن ۲- قرار داد (فعل)

توجه: واژگان ایهام‌ساز که در مبحث ایهام آمده‌اند، اگر در متنی ۲ بار به کار روند، ممکن است آرایه تکرار یا جناس تام بسازند.

بیا و برگ سفر ساز و زادِ ره برگیر که عاقبت برود، هر که او ز مادر زاد
زاد: ۱- توشه و آذوقه ۲- به دنیا آمد (فعل)

۲- جناس غیر همسان (ناقص): این جناس خود سه نوع است: الف) جناس ناقص اختلافی ب) جناس ناقص حرکتی ج) جناس ناقص افزایشی

الف) جناس ناقص اختلافی: جناسی است که دو کلمه فقط در یک حرف با هم اختلاف دارند. (این حرف متفاوت می‌تواند در ابتدا، وسط یا آخر باشد!)

بزد نیزه‌ی او به دو نیم کرد زاغ سیه بر دو بال، غالیه آمیخته
چوک ز شاخ درخت، خویشتن آویخته
به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار که از جهان ره و رسم سفر براندازم
ب) جناس ناقص حرکتی: جناسی است که دو کلمه فقط در یک حرکت یا مصوت کوتاه اختلاف داشته باشند.

ای مهر تو در دل‌ها، وی مَهر تو بر لب‌ها وی شور تو در سَرها، وی سِرِّ تو در جان‌ها
باید به مژگان رُفت گرد از طور سینین باید به سینه رَفت زین جا تا فلسطین

ج) جناس ناقص افزایشی: جناسی است که یک واژه نسبت به دیگری فقط یک حرف اضافه‌تر دارد. (این یک حرف می‌تواند در ابتدا، وسط یا آخر باشد)

به یاد یار و دیار آن چنان بگریم زار که از جهان ره و رسم سفر براندازم
سرو چمان من چرا میل چمن نمی‌کند همدم گل نمی‌شود، یاد سمن نمی‌کند
کار دلم به جان رسد، کارد به استخوان رسد ناله کنم بگویدم، دم مزن و بیان مکن

نکته: در کنکور عمومی نوع جناس‌ها مهم نیست مگر این که نوع آن را خواسته باشند. مثلاً گفته باشند در کدام گزینه جناس تام وجود دارد. که باید دقیقاً جناس تام را پیدا کنیم. اما اگر گفته بودند جناس، هر کدام را می‌توانیم لحاظ کنیم.

نکته: جناس تام را با آرایه‌ی تکرار اشتباه نگیریم. دو کلمه که معنا و تلفظ و نوشتار یکسان دارند، فقط آرایه‌ی تکرار دارند و جناس ندارند اما اگر معنا متفاوت و تلفظ و نوشتار یکسان بود، جناس تام داریم و تکرار نداریم.

اشتقاق

به کارگیری کلماتی که از یک ریشه باشند یا تصوّر شود از یک ریشه‌اند.

گر تیغ برکشد که محبّان همی‌زنم اوّل کسی که لاف محبّت زند منم
ای دلیل دل سرگشته، خدا را مددی که غریب ار نبرد ره، به دلالت برود
بسی تاختند و بسی توختند بسی ساختند و بسی سوختند
«تاختند» با «توختند» و «ساختند» با «سوختند» از یک ریشه نیستند ولی تصوّر می‌شود از یک ریشه‌اند. این‌ها «شبه اشتقاق» هستند که با تخفیف «اشتقاق» خوانده می‌شوند.

اشتقاق، مشابه جناس است با این تفاوت که اختلاف حروف می‌تواند بیش از یک حرف باشد. مثلاً «عاشق و معشوق» چون بیش از یک حرف اختلاف دارند جناس نیستند ولی چون از یک ریشه هستند، اشتقاق دارند. در بسیاری از موارد، دو کلمه که اشتقاق دارند، جناس هم دارند. مانند «عشق و عاشق» که هم جناس دارند و هم اشتقاق. و در بعضی موارد مانند «عاشق و معشوق» دو کلمه فقط اشتقاق دارند و جناس ندارند. (واضح است که بسیاری از جناس‌ها هم اشتقاق ندارند).

نکته: جناس و اشتقاق، بین دو کلمه متفاوت شبیه به هم ایجاد می‌شود. لذا اگر یک کلمه با «ی نکره»، علامت‌های جمع، ضمیر و ... تکرار شده باشد، جناس نمی‌سازد و آرایه تکرار می‌شود. در بیت زیر دو کلمه مشخص شده آرایه تکرار دارند و جناس ندارند. زیرا در هر دو مورد، با یک واژه روبه‌رو هستیم که اوی «ی» نکره گرفته است.

چون بسی ابلیس آدم‌روی هست پس به هر دستی نشاید داد دست

***توجه:** جزوات عروض و قافیه، آرایه‌های ادبی، دستور زبان فارسی و املا لغت به صورت رایگان در کانال تلگرامی بنده به نشانی (@adabiyat_ahmadi) قرار گرفته است. برای یادگیری بهتر این مباحث، می‌توانید پکیج‌های (VIP) بنده را تهیه کنید. این پکیج‌ها شامل تدریس ویدئویی محتوای این جزوات و حل تمام تست‌ها به صورت کاملاً تحلیلی و توضیح همه گزینه‌ها می‌باشد. همچنین شما عزیزان می‌توانید نسخه چاپی این جزوات را با کمترین قیمت از بنده تهیه کنید. برای آگاهی از قیمت‌ها یا به کانال تلگرامی بنده مراجعه کنید و یا به آیدی بنده در تلگرام پیام بدهید.

۱۰۲- تعداد جناس در کدام بیت، بیشتر است؟

- (۱) چشمه چشم من از سرو قدت یافته آب
- (۲) تا جان بود از مهر رخس برنکنم دل
- (۳) دل به دست یار و غم در دل بماند
- (۴) من با غم دل ساخته و سوخته در تب

۱۰۳- در چند بیت از ابیات «جناس» وجود دارد؟

- (الف) چو کحل بینش ما خاک آستان شماس
 - (ب) شب هجر است و دارم بر فلک دست دعا اما
 - (ج) موی و رویت روز و شب در چشم ماست
 - (د) بیفتد بار اندوه فراقش، از دل سلمان
 - (ه) هیچ کاری بر نمی آید ز پای آهنین
- (۱) پنج (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۱۰۴- در کدام بیت جناس هست؟

- (۱) شکر لب جوانی نی آموختی
 - (۲) یک ساعت از آن لب میگون شکیب نیست
 - (۳) راه دریا گیر اگر لؤلؤی عمانت هواست
 - (۴) آییدم زلف تو در خواب و پریشانم از این
- که دلها بر آتش چو نی سوختی
سرمسست را شکیب کجا باشد از شراب
دست دربان بوس اگر تشریف سلطان بایدت
که بود شور و بلا دیدن ثعبان در خواب

۱۰۵- در کدام بیت آرایه «جناس همسان» به کار رفته است؟

- (۱) بار غمت می کشم وز همه عالم خوشم
 - (۲) روزگاری است که سودازده روی توأم
 - (۳) سعدی از پرده عشاق چه خوش می گوید
 - (۴) مرا که با تو سخن گویم و سخن شنوم
- گر نکنند التفات یا نکنند احترام
خوابگاه نیست مگر خاک سر کوی توأم
ترک من پرده برانداز که هندوی توأم
نه گوش فهم بماند نه هوش استفهام

۱۰۶- در کدام گزینه «جناس همسان» وجود ندارد؟

- (۱) حال چوگان چون نمی دانی که چیسست
 - (۲) به بوی زلف تو دادم دل شکسته به باد
 - (۳) برو ای ترک که ترک تو ستمگر کردم
 - (۴) نماند فتنه در ایام شاه جز سعدی
- ای نصیحت گو، به ترک گوی، گوی
بیا که جان عزیزم فدای بوی تو باد
حیف از آن عمر که در پای تو من سر کردم
که بر جمال تو فتنه است و خلق بر سخنش

۱۰۷- در چند تا از ابیات زیر آرایه جناس به وضوح دیده می‌شود؟

- | | |
|--------------------------------------|------------------------------------|
| الف) سخن به دانش گویند پایگه گیرد | و گر نه طوطی و شارک چو آدمی گویاست |
| ب) ای دیر به دست آمده بس زود برفتی | آتش زدی اندر من و چون دود برفتی |
| ج) درخت‌های بارور چون اشتران باربر | همی ز پشت یکدگر کشیده صف قطارها |
| د) باغبان، چند کند پیش من آزادی سرو؟ | سرو آزاد غلام بت چالاک من است |
| ۱) چهار تا | ۲) سه تا |
| | ۳) دو تا |
| | ۴) یکی |

۱۰۸- در کدام گزینه دو جناس «همسان» وجود دارد؟

- | | |
|--|----------------------------------|
| ۱) بیامد چنان تالاب هیرمند | همه دل پیر از باد و لب پیر ز پند |
| ۲) مهر خوبان دل و دین از همه بی پروا برد | رخ شطرنج نببرد آنچه رخ زیبا برد |
| ۳) به بوی زلف تو دادم دل شکسته به باد | بیا که جان عزیزم فدای بوی تو باد |
| ۴) روزی که جمال دلبرم دیده شود | از فرق سرم تا به قدم دیده شود |

پاسخنامه عروض و قافیه و آرایه‌های ادبی

۱	۴	۲۶	۳	۵۱	۲	۷۶	۲	۱۰۱	۳
۲	۴	۲۷	۱	۵۲	۲	۷۷	۲	۱۰۲	۴
۳	۳	۲۸	۱	۵۳	۴	۷۸	۳	۱۰۳	۱
۴	۱	۲۹	۲	۵۴	۳	۷۹	۲	۱۰۴	۱
۵	۴	۳۰	۲	۵۵	۳	۸۰	۲	۱۰۵	۳
۶	۱	۳۱	۲	۵۶	۴	۸۱	۲	۱۰۶	۳
۷	۲	۳۲	۳	۵۷	۳	۸۲	۲	۱۰۷	۲
۸	۱	۳۳	۳	۵۸	۱	۸۳	۱	۱۰۸	۳
۹	۳	۳۴	۱	۵۹	۱	۸۴	۲		
۱۰	۲	۳۵	۴	۶۰	۳	۸۵	۲		
۱۱	۴	۳۶	۲	۶۱	۴	۸۶	۴		
۱۲	۳	۳۷	۱	۶۲	۲	۸۷	۴		
۱۳	۲	۳۸	۳	۶۳	۲	۸۸	۳		
۱۴	۳	۳۹	۴	۶۴	۴	۸۹	۲		
۱۵	۲	۴۰	۴	۶۵	۳	۹۰	۲		
۱۶	۱	۴۱	۴	۶۶	۳	۹۱	۲		
۱۷	۴	۴۲	۲	۶۷	۳	۹۲	۴		
۱۸	۳	۴۳	۱	۶۸	۲	۹۳	۱		
۱۹	۱	۴۴	۳	۶۹	۱	۹۴	۳		
۲۰	۴	۴۵	۲	۷۰	۳	۹۵	۳		
۲۱	۲	۴۶	۱	۷۱	۲	۹۶	۲		
۲۲	۱	۴۷	۱	۷۲	۴	۹۷	۴		
۲۳	۳	۴۸	۳	۷۳	۳	۹۸	۳		
۲۴	۳	۴۹	۳	۷۴	۲	۹۹	۴		
۲۵	۴	۵۰	۳	۷۵	۳	۱۰۰	۲		